

## تدوین استراتژی‌های حضور مؤثر ایران در مجمع کشورهای صادرکننده گاز

علی اکبر ناجی میدانی

دانشیار اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد،  
naji@um.ac.ir

غلامعلی رحیمی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، پردیس بین‌الملل،  
gh.rahimi@stu.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۸

### چکیده

با توجه به رخدادهای نوین اقتصاد انرژی جهانی، گاز طبیعی یکی از کالاهای استراتژیک است که دارندگان منابع آن می‌توانند از گاز برای تأثیرگذاری بر معادلات جهانی به نفع خود استفاده نمایند. در این راستا تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) که جمهوری اسلامی ایران در ایجاد آن نقش اساسی داشت، از مهم‌ترین تحولات بین‌المللی در عرصه جهانی گاز در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. این مجمع برای حضور مؤثر در بازار گاز و جهت‌دهی به تحولات آینده این بازار با محدودیت‌ها، مسایل و مشکلات مختلفی مواجه است. در عین حال از مزایا و نقاط قوت مناسبی نیز برخوردار می‌باشد.

حال سوال اصلی این است که ایران برای حضور فعال و مؤثر خود در این مجمع می‌بایست چه راهبردها و استراتژی‌هایی را مدنظر قرار دهد؟ مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی بر گرفته از مدل تحلیلی چند متغییره مونتلی در مورد عوامل مؤثر در همگرایی اقتصادی سازمانی، در صدد پاسخ به این سوال می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به این محدودیت‌ها و امکانات، می‌باید چالش‌های درونی مجمع را شناسایی نموده و براساس توانایی خود، راهبردهای حضور فعال در مجمع را طراحی کند.

نتایج تحقیق به‌طور کلی بیانگر آن است که عضویت ایران در مجمع کشورهای صادرکننده گاز هم ماهیت سیاسی دارد و هم ماهیت اقتصادی. اقتصادی از این منظر که درآمد حاصل از فروش گاز سبب افزایش درآمدهای ارزی ایران می‌شود و سیاسی از این منظر که این افزایش درآمد سبب افزایش توانایی ایران در پی‌گیری اهداف سیاست خارجی خود به دلیل افزایش وابستگی متقابل جهانی به عرضه انرژی ایران و جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها خواهد شد. در این راستا با شناخت رقبا و بررسی نقاط قوت و ضعف آنها، استراتژی‌ها و راهبردهای مؤثر جهت تأثیرگذاری بیشتر و بهتر ایران در مجمع و همچنین بازار جهانی گاز تدوین شده است.

طبقه بندی JEL: A10, D23, D42, E61

کلید واژه‌ها: مجمع کشورهای صادرکننده گاز، ایران، راهبردها و استراتژی‌ها، بازار گاز، روسیه، قطر.

## ۱- مقدمه و ضرورت پژوهش

تحولات بازار جهانی انرژی در سال‌های اخیر، تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز را بین کشورهای اصلی تولیدکننده‌ی گاز به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل نمود. به عقیده‌ی کارشناسان همکاری بین کشورهای تولیدکننده‌ی گاز، به‌طور یقین، می‌تواند آثار مثبتی داشته باشد و از رقابت‌های ناسالم جلوگیری کند، در واقع این همکاری کشورها پایه‌گذار رقابتی سازنده بین آنها خواهد بود و استفاده معقول از ذخایری که در اختیار دارند، به دنبال خواهد داشت (رحیمی؛ ۱۳۸۷). لازم به ذکر است به دلیل تفاوت‌های ماهیتی گاز طبیعی و نفت خام در زمینه عرضه و فروش این دو حامل انرژی، همکاری کشورهای عرضه‌کننده‌ی گاز برای قیمت‌گذاری و کنترل تولید آن، تا اندازه‌ای دشوارتر است، ولی تشکیل سازمانی برای تبادل نظر و مشاوره، نقش مهمی در تعدیل شرایط و ساماندهی بازار جهانی خواهد داشت (یوسفی؛ ۱۳۸۶).

مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز در سال ۲۰۰۱، در تهران بنیان نهاده شد و کشورهای الجزایر، بولیوی، مصر، گینه استوایی، ایران، لیبی، نیجریه، قطر، روسیه، ترینیداد و توباگو، ونزوئلا و امارات متحده عربی ۱۲ عضو اصلی آن به شمار می‌روند و کشورهای آذربایجان، عراق، قزاقستان، هلند، نورژ، عمان و پرو به‌عنوان اعضای ناظر در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز مطرح هستند (GECF, 2016). کشورهای عضو این مجمع ۴۲ درصد از تولید گاز جهان، ۶۷ درصد از ذخایر گاز جهان، ۳۸ درصد از انتقال گاز با خط لوله و ۸۵ درصد از تجارت گاز طبیعی مایع شده (LNG) را در اختیار دارند. ایران با ۱۸/۲ درصد، روسیه با ۱۷/۴ درصد و قطر با ۱۳/۱ درصد بیشترین سهم را از ذخایر گاز طبیعی جهان دارند. در تولید گاز طبیعی جهان در سال ۲۰۱۴، روسیه با تولید ۵۷۹ میلیارد متر مکعب دومین تولیدکننده‌ی گاز جهان پس از آمریکا به شمار رفته و پس از آن قطر و ایران به ترتیب با ۱۷۷ و ۱۷۳ میلیارد متر مکعب در رتبه‌های سوم و چهارم قرار دارند. به غیر از روسیه و ایران، سایر اعضا سهم بالایی در مصرف گاز طبیعی جهان ندارند (BP, 2015). سهم گاز در ترکیب تقاضای انرژی جهان در سال ۲۰۱۳ حدود ۲۱ درصد بوده و براساس جدیدترین گزارش چشم انداز جهانی انرژی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA, 2015) پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۴۰ به بیش از ۲۴ درصد برسد.

مهم‌ترین مسایل بازار گاز و موضوعات پیش‌روی مجمع که ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد، به این شرح است:

- تعیین قیمت گاز در بازار جهانی پیچیده‌تر از نفت است و در حال حاضر ترکیبی از قراردادهای کوتاه‌مدت و بلندمدت گاز وجود دارد و در بازارهای منطقه‌ای، قیمت گاز بر اساس چانه‌زنی تعیین می‌شود. از این رو همکاری کشورهای عرضه‌کننده گاز در زمینه قیمت‌گذاری و کنترل تولید گاز دشوار است (Vladimirov; 2013).

- پیشرفت‌های فن‌آوری سبب کاهش هزینه‌ی تولید گاز از منابع غیرمتعارف شده و این امر سبب تغییر در ژئوپلیتیک عرضه، مسیرهای انتقالی و مراکز مصرف جهانی نفت و گاز شده است. در چنین شرایطی فرصت مناسبی برای شرکت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت فراهم شده است. لذا این شرکت‌ها می‌توانند با قدرت بیشتری در تعاملات آتی بازارهای جهانی نفت و گاز ایفای نقش کنند.

- به‌طور کلی عدم وجود یک بازار منسجم، طرفین درگیر در تجارت گاز را با مشکل مواجه کرده و لذا مجمع صادرکنندگان گاز شاید بتواند این تعامل سازنده را ایجاد کرده و چارچوبی برای فعالیت در این عرصه در سطح جهان، ایجاد نماید (تکلیف؛ ۱۳۹۲).

- همراستا نبودن منافع راهبردی اعضای مجمع کشورهای صادرکننده گاز طبیعی، یکی از مسائل پیچیده برای اتخاذ سیاست‌های همگرا در بازار جهانی گاز است. کشورهای قطر و روسیه سال‌های زیادی است که به‌عنوان صادرکننده‌ی گاز طبیعی در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی حضور دارند. بنابراین قادرند در مقابل افت قیمت‌های گاز مقاومت بیشتری داشته باشند. در صورتی که این مسئله برای یک کشور تازه وارد به عرصه صادرات گاز مانند ایران، صادق نیست و لذا امکان رقابت با کشورهای رقیب خود در بازار گاز را ندارد.

- در شرایطی که تعیین قیمت گاز بر مبنای چانه‌زنی است، اگر قیمت از سوی کشورهای عرضه‌کننده عمده به یک کشور تازه وارد به عرصه تجارت گاز تحمیل شود (در چارچوب رقابت در بازار، به خریدار احتمالی، قیمت پایین‌تری پیشنهاد شود)، می‌تواند باعث توقف و یا کند شدن اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری شده و در نتیجه نقش انحصاری عرضه‌کنندگان بزرگ را در بازار گاز تضمین کند.

- یکی از چالش‌های اساسی ایران برای فعالیت در مجمع کشورهای صادرکننده گاز، چگونگی تعامل سازنده از منظر منافع ملی با کشورهای روسیه و قطر است. این دو کشور با در اختیار داشتن دومین و سومین ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان و نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکنندگان گاز جهان (روسیه توسط خط لوله و قطر به صورت LNG) سعی در هدایت این مجمع در جهت منافع خود دارند.

اعضای مجمع به‌عنوان صادرکنندگان گاز، شریک و رقیب یکدیگر در بازار جهانی گاز هستند. این کشورها از یک طرف در حداکثرسازی سهم گاز در سبد مصرفی انرژی جهان، ثبات قیمت گاز و کسب درآمد بیشتر، مشارکت و همکاری دارند و از طرف دیگر در کسب سهم بازار، جذب سرمایه و کسب فن‌آوری روزآمد و تضمین بازارهای پایدارتر برای خود رقیب یکدیگر محسوب می‌شوند (Obindah N. Wagbara, 2007). در این میان ضرورت تقویت زمینه‌های همکاری به‌جای زمینه‌های رقابت میان اعضای مجمع نیز می‌بایست هدفمند شود. از این رو، در هر بررسی از جنبه منافع ملی برای حضور مؤثر در مجمع می‌بایست به مفهوم تعامل سازنده میان اعضای شریک- رقیب توجه شود.

ایران به‌عنوان یکی از بازیگران عرصه انرژی، باید با اتخاذ تدابیر و راه‌کارهای مناسب همگام با تغییر و تحولات بازار جهانی گاز، سهم خود را در بازار انرژی حفظ کند و با ایفای نقش راهبردی در مجمع، منافع ملی خود را حداکثر کند (Mehrabi & et al, 2013). لذا با توجه به موارد فوق می‌بایست برای حضور مؤثر ایران در چنین مجمعی، استراتژی دقیقی تدوین شود. لذا هدف از این مطالعه بررسی قابلیت‌ها و توانایی حضور در بازار جهانی گاز و نحوه تعامل ایران با این مجمع و اعضای مؤثر آن، تحلیل آثار اقتصادی و سیاسی عضویت و در نهایت تدوین استراتژی و ارائه پیشنهادهایی برای تأمین هرچه بیشتر منافع ملی کشور در مجمع است. بر این اساس در ادامه ابتدا روش تحقیق و مبانی نظری مطالعه مورد اشاره قرار می‌گیرد و سپس راهبردهای بهینه تقویت جایگاه ایران در GECF بر اساس مدل تحلیل راهبردی بررسی می‌شود. در پایان نیز تجزیه و تحلیل و ارائه راهبردهای مربوطه صورت می‌پذیرد.

## ۲- پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون مطالعات متعددی در زمینه ضرورت تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده گاز و فرصت‌ها و چالش‌های آن و همچنین تأثیر آن بر بازار گاز و اینکه به‌صورت یک کارتل خواهد بود یا نه انجام شده که در این بخش مهم‌ترین آنها به‌صورت خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

غلامعلی رحیمی در مطالعه‌ای تحت عنوان "سازمان کشورهای صادرکننده گاز؛ ضرورت‌ها و محدودیت‌ها" به بررسی ابعاد مختلف مجمع جهانی گاز پرداخته و ضرورت ایجاد این سازمان و نیز چالش‌ها و محدودیت‌های آنرا تحلیل نموده است. خرید و فروش سنتی گاز طبیعی در بازار جهانی، بر پایه پذیرش دو سویه خریدار و فروشنده، بدون در نظر گرفتن شرایط بازار، سبب شده که عرضه کنندگان این حامل انرژی در گفتگوهای خود برای بازاریابی و فروش گاز با دشواری روبرو شوند. در نتیجه، وجود سازمانی مانند سازمان کشورهای صادرکننده نفت در بخش گاز نیز بایسته است (رحیمی؛ ۱۳۸۷).

مطالعه‌ای توسط خانم عاطفه تکلیف تحت عنوان "ساختار مجمع کشورهای صادرکننده گاز: عدم تجانس اعضا و معیارهای رتبه‌بندی آنها در اثرگذاری بر بازار گاز" انجام شده، در این مقاله، نخست عدم‌تجانس اعضا نشان داده شده و سپس به کمک شاخص‌های مناسب، به رتبه‌بندی کشورهای عضو در اثرگذاری بر سیاست‌ها و تحقق اهداف مجمع در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت پرداخته شده است. لذا بر اساس شاخص‌های معرفی شده نتیجه گرفته شده که روسیه، قطر و الجزایر کشورهای هستند که مهم‌ترین نقش را در اثرگذاری بر سیاست‌های مجمع در کوتاه‌مدت و میان‌مدت ایفا نموده در حالی که کشورهای روسیه، قطر و ایران به ترتیب سه عضو مؤثر در سیاست‌های بلندمدت مجمع می‌باشند (تکلیف؛ ۱۳۹۲).

حسین پور احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان "امکان سنجی و تأثیر تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده گاز بر همگرایی و ارتقاء امنیت، قدرت و سایر منافع کشورهای صادرکننده گاز" تأثیر تشکیل این مجمع را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. در این مقاله چشم انداز ایجاد یک سازمان از کشورهای صادرکننده گاز که الزامات و دستاوردهای سازمانی و جهانی آن در حوزه‌ی گاز و انرژی بتواند تحولات گسترده‌ای برای کشورهای صادرکننده و نیز مصرف کنندگان جهان در پی داشته باشد،

مورد نظر بوده و هدف اصلی آن امکان‌سنجی ایجاد و تأثیرات کارکرد سازمان کشورهای صادرکننده‌ی گاز در نظام اقتصاد جهانی و نیز نقش و تأثیر این سازمان در تحقق همگرایی میان اعضاء و تأمین قدرت، امنیت و منافع اقتصادی و استراتژیک تولیدکنندگان و صادرکنندگان گاز در نقطه‌ی کانونی مطالعه است. این مطالعه با بهره‌گیری از رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل و در چارچوب نظریه نئولیبرالیسم نهادگرا در پی پاسخ به این سوال اصلی است که تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده‌ی گاز چگونه بر همگرایی و گسترش رفتار جمعی اعضاء و نیز ارتقاء قدرت، امنیت و سایر منافع آن، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران تأثیر خواهد گذاشت؟ (پوراحمدی؛ ۱۳۹۰).

جواد بخشی در مطالعه‌ای به بررسی موفقیت همگرایی در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز پرداخته، در این مطالعه از بررسی عوامل چهارگانه (ظرفیت‌های مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز، اهداف سیاسی کشورهای عضو مجمع، وجود پیشران منطقه‌ای و رویکرد ساختار جهانی به مجمع گاز)، برای بررسی سازمان‌های موفق در بحث همگرایی به این نتیجه رسیده که هرچند عوامل لازم برای یک همگرایی موفق در این مجمع به‌طور نسبی وجود دارد، اما با توجه به اینکه عامل کافی یعنی موافقت ساختار جهانی را با خود ندارد، نمی‌توان چندان به موفقیت مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز امیدوار بود. حتی اگر چنین نهادی به فعالیت خود ادامه دهد، کار ویژه‌ای در حد یک نهاد مشورتی خواهد داشت. وی پیش‌بینی نموده که مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز در یک تحلیل بدبینانه بدل به سازمانی ناموفق خواهد شد و در یک تحلیل خوش بینانه به نظر می‌رسد بتوان آن را در گروه سازمان‌های نیمه موفق دسته‌بندی نمود. (بخشی؛ ۱۳۹۰)

همچنین سهراب شهابی، جواد بخشی و سیما رفسنجانی نژاد در مطالعه‌ای به بررسی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز پرداخته‌اند. هدف اصلی نویسندگان این مقاله امکان‌سنجی موفقیت جمهوری اسلامی ایران در رسیدن به اهداف خود در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز بوده و در پی پاسخگویی به این سوال می‌باشند که اهداف جمهوری اسلامی ایران از تلاش برای ایجاد مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز چه بوده و آیا این مجمع می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به اهداف خود برساند یا نه؟ نهایتاً چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با توجه به

اختلاف اهداف کشورهای مهم این مجمع و فشارهای غرب به ویژه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از یک سو و نیاز داخلی کشور (مصرف خانگی و صنایع) به مصرف گاز از سوی دیگر، امکان موفقیت جمهوری اسلامی ایران در دست یابی به اهداف خود در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز کم است (شهابی؛ ۱۳۹۲).

مارتین ولادیموروف از دانشگاه جان‌هاپکینز در مطالعه‌ای تحت عنوان "چرا تشکیل اوپک گازی ممکن نیست" به بررسی وضعیت مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز پرداخته و نتیجه‌گیری نموده که با توجه به ساختار بازار گاز که به صورت منطقه‌ای است، ماهیت بلندمدت قراردادهای فروش گاز طبیعی و LNG، عدم تجانس اعضای مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز و .. امکان تبدیل شدن مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز به یک کارتل گازی همانند اوپک وجود ندارد ولی نباید قدرت برخی اعضای این سازمان در اعمال نفوذ سیاسی بواسطه منابع عمده گازی را نادیده گرفت (vladimiro; 2013).

### ۳- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش بر ۲ بخش اصلی استوار است، در بخش نخست بر اساس مدل نظری والتر ماتلی، مولفه‌های اثرگذار بر موفقیت یک سازمان بر مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز اعمال شده و این مولفه‌ها بر اساس مراجعه به اسناد بالادستی کشورهای عضو و سازمان و نیز استفاده از داده‌های منابع معتبر آماری بین‌المللی مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار می‌گیرند و در بخش دوم، بر اساس روش تحلیل راهبردی SWOT، به مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید کشورهای اصلی و مؤثر GECF در ابعاد اقتصادی و سیاسی پرداخته شده و استراتژی‌های SO، ST، WO، WT ج.ا.ایران برای تقویت جایگاه انرژی کشور در این سازمان با در نظر گرفتن شرایط رقابتی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و در راستای تحقق اهداف ملی تدوین می‌گردد.

### ۴- مبانی نظری

برای ارزیابی میزان همگرایی و عدم همگرایی در سازمان‌های اقتصادی- سیاسی در سطح کلی و نیز برجسته‌شدن منافع کشورهای عضو در سطح سازمان، تئوری‌های

مختلف، رهنمودهای متفاوتی را ارائه کرده‌اند که عمدتاً<sup>۱</sup> در حوزه‌ی روابط بین‌المللی می‌توان از نظریات کارکردگرایی (مدل تسری میترازی)<sup>۱</sup>، نوکارکردگرایی (هاس)<sup>۲</sup>، مدل گسترش و اشتراک ترجیحات (موراوچیک)<sup>۳</sup>، نظریه ارتباطات و اجتماع امنیتی‌شده (کارل دویچ)<sup>۴</sup>، مدل نولیبرالی اثرگذاری رژیم‌ها (کوهین)<sup>۵</sup> و توجه به مولفه‌های هویتی (سازهانگاری)<sup>۶</sup> نام برد. لازم به ذکر است که نظریه واقع‌گرایی، به دلیل تمرکز بر اصالت حاکمیت بقا، دارای نظریه همگرایی نبوده و نگاه مبتنی بر همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دارد. در این نوشته تلاش شده است که یکی از مهم‌ترین نظریاتی که توانسته، مولفه‌های همگرایی و عدم همگرایی در سازمان‌های اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی و عوامل تأثیرگذار بر چشم‌انداز آن را ارائه نماید، بیان شده و این مولفه‌ها بر وضعیت مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز کاربست شود. از اینرو مدل والتر ماتلی که مشتمل بر توجه به مولفه‌های اقتصادی-سیاسی و توجه به سطوح مختلف تحلیل می‌باشد، به این منظور انتخاب شده است، که در ادامه به بیان و کاربست آن پرداخته می‌شود:

الف- بررسی وضعیت کشورهای صادرکننده‌ی گاز: عوامل تشدید یا کاهش همگرایی

#### الف- ۱- ارائه مدل همگرایی

مدل مورد استفاده در این پژوهش، تلفیقی از نظریه والتر ماتلی (که سه عامل را در موفقیت یک همگرایی مهم و لازم می‌داند) به اضافه عامل چهارم ساختار بین‌المللی یا هژمون جهانی است (Mattli Walter, 1999:41).

والتر ماتلی<sup>۷</sup> در تعریف همگرایی<sup>۸</sup> آن را عبارت از پیوند داوطلبانه قلمرو اقتصادی دو یا چند دولت مستقل<sup>۹</sup> می‌داند به گونه‌ای که اقتدار این دولت‌ها در زمینه قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی داخلی به سطح فراملی انتقال یابد. در چارچوب نظریه ارایه شده توسط

1. Mitterrand propagation model
2. Hass
3. Muravchik
4. Carl Deutsch
5. Al-Kuhin
6. Constructivism
7. Walter Mattli
8. Integration
9. Independent State



ماتلی، ما در پی فهم این موضوع هستیم که چرا در برخی مواقع تلاش کشورها برای همگرایی با موفقیت همراه می‌شود ولی گاهی همگرایی به شکست منتهی می‌شود؟ چه عواملی در موفقیت یک سازمان نقش ایفا می‌کنند؟ و چرا کشورها تصمیم می‌گیرند سازمان جدیدی تشکیل دهند؟ برای یافتن پاسخ به این سوالات باید شرایطی را که یک سازمان در آن شرایط می‌تواند به موفقیت دست یابد را بشناسیم.

از نظر والتر ماتلی شرایطی که برای موفقیت یک سازمان ضروری به نظر می‌رسد، عبارتند از:

**شرط اول** وجود ظرفیت‌ها و منافع اقتصادی حاصل از همگرایی است. اگر این ظرفیت وجود نداشته باشد، اگر سازمانی ایجاد کنیم، آن سازمان منجر به موفقیت نمی‌شود. بنابراین اگر ظرفیت اقتصادی وجود نداشته باشد در این صورت تشکیل سازمان بی‌معنی است و نتیجه‌ای ندارد. در بررسی رابطه‌ی همگرایی و توسعه‌ی منافع اقتصادی، ماتلی به مطالعه نقش نهادها در رشد اقتصادی می‌پردازد. مبادلات بازار از طریق تبادل، تخصصی کردن و تقسیم کار موجب ایجاد رشد اقتصادی می‌شود، با وجود این اگر امنیت نباشد، بازیگران از منافع حاصل از مبادله چشم پوشی می‌کنند. نهادها با ایجاد قواعد و مقررات و برنامه‌های مشترک و تضمین تبعیت از آن قواعد، نقش مهمی در کاهش هزینه‌ها دارند.

**شرط دوم** در موفقیت همگرایی در یک سازمان این است که سیاستمداران و رهبران سیاسی بخواهند و متمایل باشند که یک چنین نهادهای منطقه‌ای را ایجاد کنند. سیاستمداران در صورتی تصمیم به مشارکت در یک سازمان منطقه‌ای می‌گیرند که این همگرایی موقعیت سیاسی آنها را ارتقاء دهد و شانس آنها را برای ماندن در قدرت افزایش دهد. در واقع اراده و توانایی رهبران سیاسی تابع آن است که ادغام یا همگرایی برای آنها حاوی چه دستاوردهایی است. اگر ارزیابی رهبران این باشد که خودمختاری سیاسی و قدرت سیاسی آنها منوط به جلوگیری از ایجاد نهادهای فراملی است، تمایلی به تاسیس این نهادها نشان نخواهند داد. به عبارت دقیق‌تر اگر عملکرد رهبران از حیث اقتصادی موفقیت آمیز بوده باشد آنها دنبال همگرایی نخواهند بود. اما معمولاً وقتی شرایط اقتصادی دشوار می‌شود، رهبران سیاسی به فکر بقای در صحنه سیاسی می‌افتند و فکر می‌کنند برای تأمین این بقا باید کارآمدی اقتصاد خود را افزایش

دهند و یکی از راه‌های کارآمدی را تاسیس یا پیوستن به همگرایی منطقه‌ای ارزیابی می‌کنند. ماتلی با استفاده از منطق، بازی معمای زندانی<sup>۱</sup> یا بازی‌های هماهنگ<sup>۲</sup> به خوبی نشان می‌دهد که چگونه پیوستن به یک همگرایی منطقه‌ای و ارتقای سطح دستاوردهای جمعی اعضای آن همگرایی، می‌تواند موقعیت سیاسی سیاستمداران را تقویت نماید. اما گاهی حتی با وجود اینکه رهبران سیاسی تمایل به همکاری و موفقیت سازمان را دارند اما آن سازمان با مشکل مواجه می‌شود که به آن مشکلات عمل جمعی<sup>۳</sup> می‌گوییم. یکی از این مشکلات، هماهنگی است.

در اینجا نقش شرط سوم خود را نشان می‌دهد و آن حضور و وجود کشوری در درون آن سازمان است که به نوعی از یک نقش هژمون منطقه‌ای برخوردار باشد تا بتواند نقشی به‌عنوان هماهنگ کننده و نقطه تماس<sup>۴</sup> کشورهای مختلف داشته باشد. چنین کشوری از یک سو نقش هماهنگ کننده قوانین و مقررات و برنامه‌های کشورهای مختلف سازمان را ایفا می‌کند و از سوی دیگر با جبران منافع، برای کشورهایی که از روند همگرایی نفع کمتری می‌برند، آنها را راضی نگه می‌دارد.

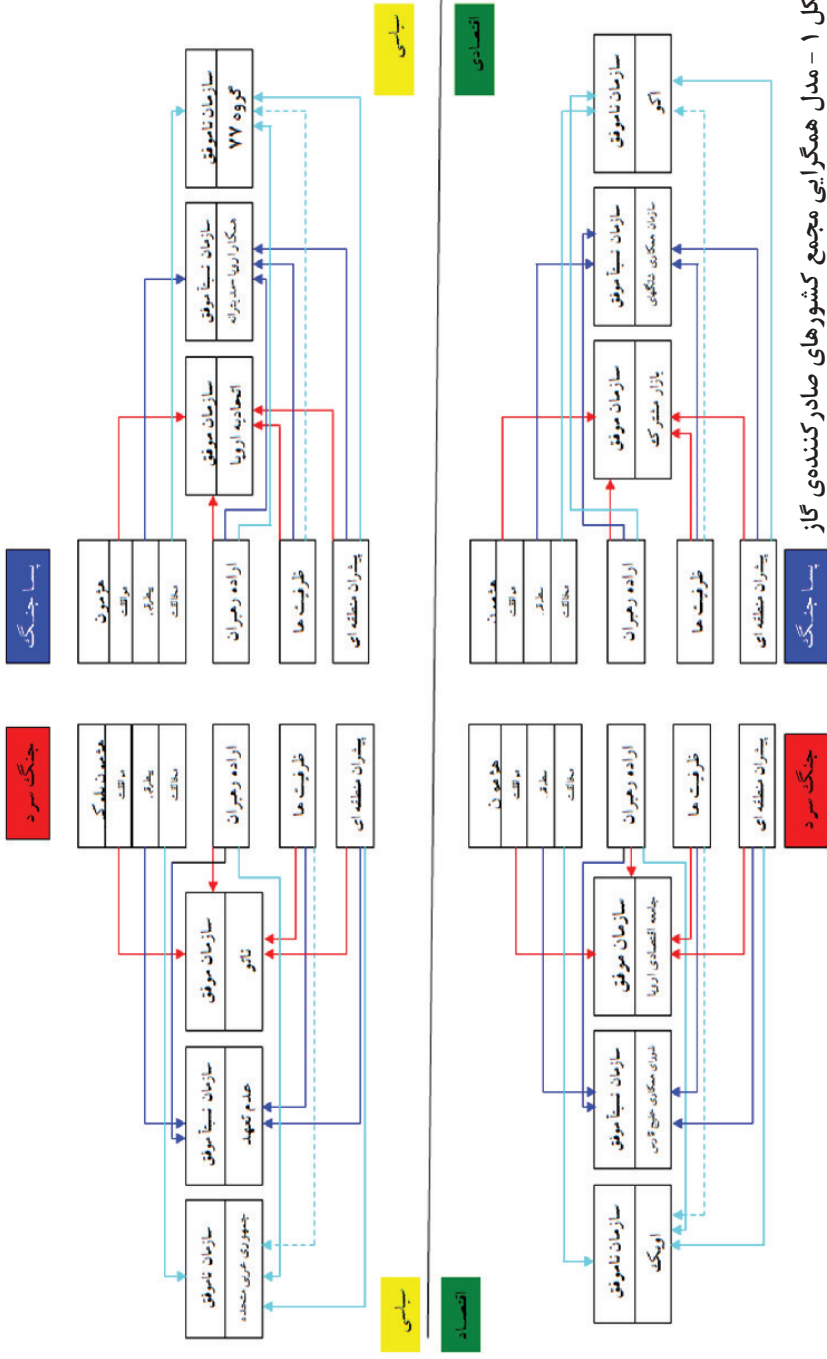
تا اینجا و طبق نظر ماتلی به سه عامل اشاره داشتیم که شروط لازم برای به وجود آمدن یک همگرایی بودند. اما در ادامه باید به شرط چهارمی اشاره شود که آن را شرط کافی برای موفقیت یک همگرایی می‌دانیم و آن تأثیری است که ساختار بین‌المللی یا دقیق‌تر، نقش هژمون جهانی در موفقیت یک همگرایی در قالب سازمان منطقه‌ای یا جهانی دارد که این سازمان هم می‌تواند یک سازمان سیاسی باشد و یا یک سازمان اقتصادی.

#### شرط چهارم، نیروهای ساختاری: برخی نظریه پردازان شکل‌گیری و توفیق هم

پیوندی‌های منطقه‌ای را منوط به «خواست و ایفای نقش مؤثر از سوی یک نیروی بین‌المللی» ارزیابی می‌کنند. نظریه‌های واقع‌گرا و نوواقع‌گرا در تبیین همگرایی بیشتر، چنین رویکردی دارند. بر این اساس هرگونه تغییر در نظم و ثبات جهانی را می‌توان به تغییر در توزیع سیستمی منابع و قدرت و توانایی‌ها نسبت داد. این به آن مفهوم است

- 
1. The Prisoners Dilemma
  2. Coordination Games
  3. Collective Action Problems
  4. Focal Point

که ایجاد و حفظ و توفیق همگرایی اعم از منطقه‌ای و غیر آن ناشی از خواست قدرت یا قدرت‌های مسلط و برتر است که از طریق ایجاد اصول، قواعد، هنجارها و نهادهای مناسب با ارزشها و منافع خود، انواع رژیم‌های بین‌المللی از جمله هم‌پیوندی‌های اقتصادی را به وجود می‌آورند. رویکرد هژمون نسبت به سازمان در حال شکل‌گیری را می‌توان به سه گونه در نظر گرفت، اول نظر موافق با ایجاد سازمان داشته باشد که در این صورت با فرض وجود سه عامل لازم دیگر، این سازمان می‌تواند به موفقیت برسد. دوم نگاه بی‌طرفانه، که در این حالت سازمان می‌تواند هم موفق باشد و هم به شکست بیانجامد. و نگاه سوم مخالفت صریح هژمون نسبت به شکل‌گیری یک سازمان جدید است که در این وضعیت هژمون سعی می‌کند مانع از موفقیت اعضا در همگرایی شود (William C, 1999). شکل (۱) علاوه بر تقسیم همگرایی‌ها به دو عرصه همگرایی در عرصه سیاسی و همگرایی در عرصه اقتصادی، سازمان‌ها را بر حسب دارا بودن شرایط لازم و کافی به سه دسته سازمان موفق، سازمان نسبتاً موفق و سازمان ناموفق تقسیم کرده است.



شکل ۱ - مدل همگرایی مجمع کشورهای صادرکننده گاز  
منبع: نتایج تحقیق

**ب: بررسی تعاملات مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز از نظر مدل تحقیق**

در این بخش از مطالعه و بر اساس مدل تحقیقی که بر پایه متغیرهای چهارگانه ظرفیت‌های اقتصادی، منافع و اهداف سیاسی کشورها، وجود پیشران منطقه‌ای و در نهایت عامل ساختار جهانی یا هژمون جهانی، مطرح کرده‌ایم به تحلیل امکان موفقیت مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز در زمینه همگرایی پرداخته شده که به دلیل طولانی شدن مطالب، فقط به دسته بندی‌های صورت گرفته اشاره می‌شود.

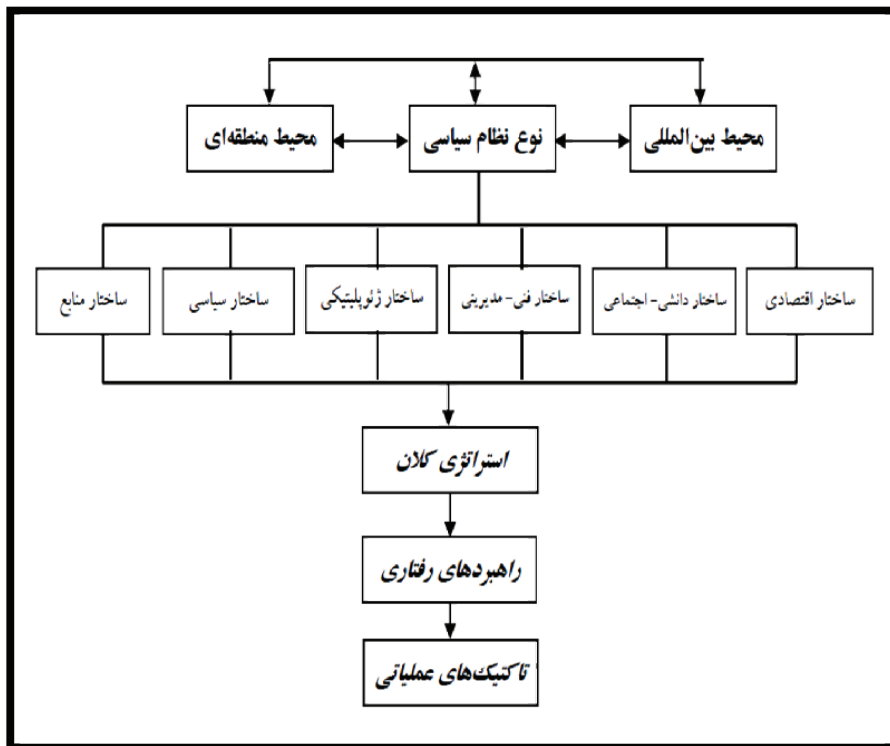
**ب-۱ - ظرفیت‌های اقتصادی**

به‌طور کلی تشکیل و حفظ سازمان‌های انحصاری نیازمند وجود ظرفیت‌هایی برای تشکیل یک سازمان است. برای بررسی ظرفیت‌های مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز نیز این ظرفیت‌ها دسته بندی شده است. ظرفیت‌های مجمع گاز عبارتند از: ۱- ظرفیت منابع و تولید، ۲- ظرفیت صدور (خط لوله و LNG)، ۳- ظرفیت سرمایه‌گذاری، ۴- ظرفیت مازاد تولید، ۵- ظرفیت اطلاعاتی، ۶- ظرفیت علمی- فنی، ۷- ظرفیت سیاسی و ۸- ظرفیت قیمت‌گذاری.

**ب-۲ - اهداف سیاسی کشورهای عضو مجمع**

کشورها در عصر حاضر به‌منظور تأمین بهتر اهداف و منافع ملی خود به دنبال همگرایی و ایجاد تشکلهای و نهادهای مشترک هستند و قاعدتاً تلاش می‌کنند از تک روی اجتناب کنند، زیرا در عرصه پیچیده روابط بین‌المللی در عصر حاضر، منافع کشورها آنقدر به هم گره خورده و در ارتباط با هم قرار دارند که یک کشور نمی‌تواند بدون متاثر کردن منافع یک کشور دیگر به دنبال محقق کردن اهداف و منافع خود باشد (ابراهیمی؛ ۱۳۸۸). واضح است که در درون یک ساختار قدرتمند که از چند بازیگر شکل گرفته است، کشورها بهتر می‌توانند منافع خود را دنبال نمایند. مسأله مهمی که در اینجا پیش می‌آید این است که تا چه اندازه منافع و اهداف اعضای یک سازمان بعد از قرار گرفتن در کنار یکدیگر به هم نزدیک می‌شود، زیرا که این اشتراک منافع و اهداف، مانع از رقابت‌های بی‌هوده در درون سازمان خواهد شد و برعکس اگر اعضای یک سازمان خواهان پی‌گیری اهداف متفاوت و یا متضاد از طریق سازمان باشند، بی‌شک آن سازمان موفق نخواهد بود. به نظر می‌رسد که اعضای مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز هر یک به دنبال برآوردن خواسته‌ها و اهداف متفاوتی در درون سازمان هستند و هرچند در ظاهر چنین وانمود می‌شود که همه در پی ثبات در بازار گاز و عادلانه‌تر کردن

قیمت‌های جهانی هستند، اما از بررسی اهداف کشورهای عضو می‌توان به خوبی به این اختلاف اهداف و منفع پی برد. البته لازم است اشاره کنیم که این کشورها هر کدام در سطح متفاوتی از توسعه‌ی صنعت گاز و بازارهای صادراتی قرار دارند و جایگاه متفاوت هر کشور در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌طور طبیعی ایجاب می‌کند که اهداف متفاوتی را نیز دنبال نمایند. در این مطالعه تنها به بررسی سه کشور روسیه، قطر و ایران به‌عنوان اعضای مهم و تأثیر گذار در آینده مجمع پرداخته شده است. مفروض تئوریک این پژوهش این بود که اشتراک در اهداف سیاسی سبب ساز همبستگی و انسجام و در نتیجه موفقیت در امر همگرایی در این مجمع است. در این بخش از مطالعه، استراتژی کلان مهم‌ترین کشورهای عضو مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز براساس الگوی زیر بیان می‌گردد.



شکل ۲- عناصر تعیین کننده استراتژی کلان مهم‌ترین کشورهای عضو مجمع

Source: Walt M. Stephen (2011) *Alliances in a unipolar world*. In John Ikenberry and others (Ed) *International Relations Theory and the Consequences of Unipolarity*. Chapter 4. PP. pp. 99-139. London: Cambridge University Press.

بر اساس موارد مطرح شده در نمودار فوق و مراجعه به اسناد بالادستی کشورهای قطر، روسیه و ایران در مجمع کشورهای صادرکننده گاز طبیعی، استراتژی‌های کلان سه کشور مهم تأثیر گذار در این مجمع عبارتند از<sup>۱</sup>:

ایران:

استراتژی اعلامی: توازن بخشی سخت، (Hard Balancing)

استراتژی عملی: توازن بخشی سخت (Hard Balancing)

الساساً<sup>۲</sup> بعد از جنگ سرد با توجه به رویکردهای جدید یک جانبه‌گرایانه ایالات متحده در قالب نظم نوین جهانی با تعبیرهای تنوریک مختلف نظیر هژمونیک گرایی لیبرال و یا تک قطبی گرایی، استراتژی کلان کشورهای دیگر برای بقا و حفظ منافع ملی خود بر اساس تحلیل استفان والت با ۶ سناریوی رفتاری مواجه است. لازم به ذکر است که تمام استراتژی‌های بخشی یا راهبردهای رفتاری نظیر استراتژی اقتصادی، سیاسی، نظامی، محیط زیستی و اجتماعی/فرهنگی به طور مستقیم متأثر از استراتژی کلان (Grand Startegy) کشورهای است. در حقیقت نمی توان بدون فهم استراتژی کلان کشورها به تدوین و ترسیم استراتژی‌های بخشی نظیر استراتژی اقتصادی انرژی اقدام نمود. این ۶ سناریوی ممکن استراتژی‌های کلان برای کشورها در مقابل هژمونیک گرایی در نظم بین المللی عبارتند از:

توازن بخشی سخت: در این استراتژی کشورها تلاش می کنند که زیربنای نظم مورد نظر ایالات متحده تضعیف شده و نظم مورد نظر بر اساس اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های جدیدی در حوزه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی جایگزین نظم آمریکایی یا امریکن پکس (American Pax) نمایند.

توازن بخشی نرم: در این استراتژی نیز رفتار اصلی بر موازنه گری است اما کشورها در این استراتژی تلاش می کنند در درون قواعد، اصول، هنجارها و رویه‌های موجود به افزایش جایگاه قدرت خود در سلسله مراتب قدرت جهانی لیاقت نمایند. در حقیقت در این استراتژی مستقیماً<sup>۳</sup> با نظم آمریکایی مقابله صورت نگرفته و توازن گری از درون مورد توجه است تا به تدریج اصول و رویه‌های مد نظر خود را در چارچوب امکان‌های تغییر در درون نظم موجود تقویت نمایند.

سیاست همراهی: در این استراتژی کشورها نه تنها با نظم موجود و ابعاد آن که مورد توجه هژمون بین المللی است، مخالفت نمی کند، بلکه سعی می کند با پیروی از نظم موجود، از حمایت‌ها و پشتیبانی‌های هژمون برای بقا و امنیت خود برخوردار شوند. در این استراتژی کلان، تمام استراتژی‌های بخشی در قالب سیاست همراهی تدوین می شود. یعنی استراتژی بخشی انرژی و اقتصادی کشورهای طرفدار استراتژی همراهی، نمی تواند با نگرش‌های هژمون مخالف باشد.

استراتژی‌های کلان دیگر شامل بیطرفی، نظم و توازن منطقه‌ای مجزا و اتحاد است که در مورد کشورهای عضو GECF کاربرد ندارد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

Walt M. Stephen (2011) Alliances in a unipolar world. In John Ikenberry and others (Ed) International Relations Theory and the Consequences of Unipolarity. Chapter 4. PP. pp. 99-139. London: Cambridge University Press.

روسیه:

استراتژی اعلامی: توازن بخشی نرم، (Soft Balancing)

استراتژی عملی: توازن بخشی سخت (Hard Balancing)

قطر:

استراتژی اعلامی: همراهی (Bandwagoning)

استراتژی عملی: همراهی (Bandwagoning)

### ب-۳- وجود پیشران منطقه‌ای

لازمه یک پیشران منطقه‌ای وجود دو پیش شرط است، پیش شرط اول برای یک کشوری که به‌عنوان پیشران منطقه‌ای خوانده می‌شود، وجود اراده در پیشران است. اراده‌ای که باعث می‌شود این پیشران منطقه‌ای تمایل پیدا کند که هزینه‌های احتمالی سازمان را بپردازد. به واقع همان‌طور که در درون هر نظامی، یک نهاد مسئولیت هماهنگی بین نهادهای مختلف را بر عهده می‌گیرد، بایستی در درون هر سیستم منطقه‌ای یا بین‌المللی نیز یک کشور وجود داشته باشد، تا هماهنگی لازم بین سایر اعضا را به وجود آورد. همچنین از آنجا که به‌طور طبیعی شکل‌گیری هر گونه سازمان مشترک نیازمند پرداخت یک سری هزینه‌هایی است، در این شرایط نیز نقش پیشران منطقه‌ای در تحمل هزینه‌ها و پرداخت آنها و جلوگیری از تأثیر عامل مخالفت‌ها و موانع بر تزلزل اراده اعضا مهم می‌شود. مثلاً شکل‌گیری سازمانی تحت عنوان شورای همکاری خلیج فارس منجر به یک سری تصمیمات مشترک سیاسی از سوی اعضا می‌شود که در تعریف منافع در حوزه‌های امنیتی دیگر کشورهای منطقه چون ایران عراق تأثیر خواهد گذاشت. به‌طور طبیعی این دو کشور نیز تلاش می‌کنند تا در جهت حفظ منافع و پیگیری اهداف ملی خود، اعضای این شورا را تحت تأثیر و فشار قرار دهند. در این بین نقش عربستان سعودی به‌عنوان پیشران این سازمان در ارائه حمایت و پشتیبانی از کشورهای ضعیف‌تری چون قطر، بحرین و کویت در موقعیت سازمان و پرداخت هزینه‌های این سازمان، حایز اهمیت است. به هر میزان که پیشران منطقه‌ای اراده و توان (توان مولفه بعدی پیشران است) برای حمایت از اعضای دیگر در مقابل نیروهای مخالف همگرایی سازمان از خود نشان دهد، به همان میزان احتمال موفقیت سازمان



بیشتر می‌شود. همچنین پیشران باید بتواند هر عضوی را که از منافع حاصل از سازمان بهره کمتری برده است، متقاعد نماید که همچنان در سازمان بماند و از سازمان خارج نشود و به نوعی امتیازاتی را به اعضای ناراضی ارایه دهد که همچنان تمایل به ماندن در درون آن سازمان داشته باشند. دومین پیش شرط یک پیشران منطقه‌ای، توان است. جایگاه پیشران منطقه‌ای در سلسله مراتب توزیع قدرت بین‌المللی می‌تواند هم تعیین کننده نوع ساختار همگرایی و هم تعیین کننده تحولات آتی آن باشد. در همگرایی‌های اقتصادی، عواملی چون تولید ناخالص ملی پیشران منطقه‌ای، تراز مثبت تجاری، توسعه‌ی یافتگی فنی - تکنولوژیکی، توان علمی و توان مدیریتی و سازماندهی پیشران منطقه‌ای در یک سازمان اقتصادی تأثیر گذار است. به‌عنوان مثال وجود نسبی مولفه‌های فوق در ایران می‌تواند میزان موفقیت سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) را مشخص کند. در مباحث امنیتی نیز مولفه‌هایی چون میزان توسعه‌ی ساختارهای نظامی، تعداد و مهارت‌های نیروهای نظامی، تکنولوژی‌های نوین نظامی، تجربه مدیریتی رویدادهای نظامی گذشته، میزان پیچیدگی مولفه‌های رزم در کشور پیشران، میزان موفقیت یک سازمان مشترک نظامی را مشخص می‌کند. به‌عنوان مثال ظرفیت‌ها و استعداد مولفه‌های فوق در آمریکا را می‌توان به‌عنوان مولفه توان پیشران در موفقیت سازمان ناتو به حساب آورد (William C, 1999). فرض ما بر این است که تنها کشوری که می‌تواند با توجه به شرایط فعلی به‌عنوان پیشران در مجمع گاز مورد نظر قرار گیرد، روسیه است.

#### ب-۴ - رویکرد ساختار جهانی به مجمع گازی

برای فهم جایگاه شکل‌گیری مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز در نوع رویکرد آمریکا به آن، بایستی در ابتدا چند نکته را یاد آور شویم. در این راستا ابتدا باید به مقوله جایگاه گاز در مصرف آتی انرژی و سهم کشورهای عضو مجمع در تأمین منابع آتی توجه داشته باشیم و سپس باید نظرگاه ساختار را در چارچوب یک ائتلاف بین همزمن و دیگر مصرف کنندگان انرژی در نظر گرفت. بدین معنی که آمریکای مدعی همزمنی، نباید نگرانی‌های مربوط به تأمین امنیت عرضه انرژی را تنها بر حسب میزان مصرف خود تنظیم نماید. بلکه همان‌طور که رابرت کوهن عنوان می‌کند، یکی از الزامات ۹ گانه حفظ همزمنی تسلط بر امنیت تولید و امنیت عرضه منابع اولیه و حیاتی رشد

اقتصاد جهانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای عمومی است که هژمون باید آن را تأمین نماید (عسکرخانی؛ ۱۳۸۳). بنابراین علاوه بر توجه به جایگاه کشورهای عضو مجمع گازی در آینده انرژی گاز جهان و سهم آن‌ها در واردات انرژی کشورهای غربی، باید به این دغدغه سیاسی ضرورت تأمین انرژی به‌عنوان کالایی عمومی، برای آمریکای مدعی هژمونی توجه نمود. کشورهای متحد آمریکا چون ژاپن، کره جنوبی، هند و اتحادیه اروپا نیاز روز افزونی به واردات گاز طبیعی دارند. این کشورها دارای کمترین میزان منابع داخلی هستند، ولی در عین حال فزاینده‌ترین میزان وابستگی به گاز را خواهند داشت. پیش‌بینی می‌شود واردات گاز ژاپن از کشورهای عضو مجمع گازی از ۶۱ درصد (از مجموع ۹۷ میلیارد متر مکعب) در سال ۲۰۱۰ به ۶۳ درصد (از مجموع مصرف ۱۱۳ میلیارد متر مکعب) در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد. همچنین برآورد می‌شود میزان واردات کشورهای اروپایی از کشورهای عضو مجمع (طبق برآوردهای DIW BERLIN از میزان وابستگی اروپا به گاز طبیعی کشورهای عضو مجمع گازی) از ۱۶۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۰ (از مجموع ۵۱۸ میلیارد متر مکعب) به بیش از ۲۳۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۰ (از مجموع ۵۸۲ میلیارد متر مکعب) و حدود ۲۷۲ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۳۰ (از مجموع ۶۱۶ میلیارد متر مکعب) افزایش یابد. این میزان نشانگر بیش از ۴۵ درصد نیازمندی به کشورهای عضو GECF می‌باشد (DIW BERLIN; 2014). با توجه به این آمار، شکل‌گیری هر نوع سازمانی که باعث همگرایی کشورهای صادرکننده‌ی گاز شود به نوعی تهدیدی علیه منافع کشورهای اروپایی و متحد آمریکا خواهد بود زیرا در چنین حالتی دیگر احتمالاً رقابتی بین صادرکنندگان بر سر بازارها صورت نخواهد گرفت و قیمت‌های گاز افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین در شرایطی که روسیه حدود یک چهارم از بازار گاز اروپا را در اختیار دارد، خواهد توانست نفوذ خود را در این بازار افزایش داده و این امکان فراهم می‌شود که با وابستگی اقتصادی اروپا به روسیه، دیگر پتانسیل لازم برای فشار بر روسیه از اختیار اروپا خارج و بلکه اراده سیاسی روسیه نسبت به کشورهای اروپایی تا حد زیادی افزایش یابد (Dominique Finon, 2008).

این‌ها همه عواملی است تا هژمون یعنی آمریکا به فکر مقابله با کارتلی احتمالی از کشورهای صادرکننده‌ی گاز باشد. همان‌طور که آریل کوهن بیان می‌کند، دولت آمریکا

از مخالفان اصلی تشکیل این کارتل احتمالی می‌باشد. کوهن معتقد است که آمریکا باید یک سیاست جهانی مشخصی برای محدود سازی تمرکز گرایی بازار گاز در پیش گیرد. در مجموع غربی‌ها معتقدند که ایجاد و قوام چنین مجمعی سبب می‌شود تا بازار گاز جهان انحصاری شود و قیمت گاز افزایش یابد و از این رو مخالف آن هستند (www.datamonitor.com, 2006).

آمریکایی‌ها به‌عنوان هژمون جهانی، اقداماتی را در راستای مخالفت شدید خود با شکل‌گیری این سازمان انجام داده‌اند که می‌توان موارد زیر را نمونه‌هایی از آن دانست؛

۱- افزایش تحریم‌ها نسبت به بخشی از اعضا مانند ایران و یا روسیه به‌عنوان ابزار سیاست خارجی انرژی ایالات متحده در چارچوب مقابله با شکل‌گیری نهادهای منسجم عرضه گاز که می‌تواند علیه منافع ایالات متحده، متحدان و شرکای این کشور به‌کار برده شود.<sup>۱</sup> (Galbert, 2016) علاوه بر این، از نظر ایالات متحده نباید در نهادهای انرژی بین‌المللی، کشورهایی که دارای رویکرد تقابلی با ایالات متحده دارند، نقش مسلطی داشته باشند.

۲- همکاری با برخی از همپیمانان امنیتی خود در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز (مانند قطر) برای جلوگیری از سیاسی - امنیتی شدن مسئله اقتصادی صدور انرژی به بازارهای جهانی<sup>۲</sup>

۳- حمایت از تنوع بخشی منابع تأمین انرژی متحدان خود چون اتحادیه‌ی اروپا از روسیه به کشورهای دیگری چون ترکمنستان، آذربایجان و کشورهای شمال آفریقا (Wohlforth, 2008)،

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد نقش تحریم‌ها به‌عنوان ابزار سیاست خارجی در تحقق اهداف و منافع ایالات

متحده و متحدان اروپایی اش در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله انرژی و سیاسی بنگرید به:

Galbert de Simond (2016) Transatlantic Economics Statecraft: The Challenge to Building a Balanced Transatlantic Sanctions Policy between the United States and the European Union. Center for New American Security. Report 160616, June 21, 2016.

۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد تأثیر روابط دیپلماتیک ایالات متحده و قطر بر سیاست‌های گازی قطر در مجمع

کشورهای صادرکننده گاز در عدم پیروی از سیاسی و امنیتی شدن صادرات انرژی و تضمین تداوم عرضه آزاد

انرژی به بازارهای جهانی بنگرید به:

Vladimirov Martin (2013) Why is a natural gas OPEC not possible? International and Domestic Considerations.

Johns Hopkins University Press. P.11, 42,53.

۴- استفاده از پتانسیل پذیرش در سازمان تجارت جهانی<sup>۱</sup>، غربی‌ها با استفاده از این ابزار می‌توانند با حمایت از کشورهایی چون روسیه برای پیوستن به WTO، زمینه را برای خصوصی سازی در بخش انرژی این کشورها به‌منظور جلوگیری از سازوکارهای انحصاری در روند بازار و قیمت‌گذاری فراهم نمایند،

۵- استفاده از منابع گاز سایر کشورهایی که خارج از مجمع قرار دارند. کشورهایی چون هلند، کانادا و بریتانیا که می‌توانند با تولید و عرضه گاز در بازار، انحصار بازار گاز را کاهش داده و با شکست مواجه نمایند،

۶- استفاده از تکنولوژی‌های جدید برای استحصال و استفاده از منابع فراوان گازی که در لایه‌های زیرین زمین قرار دارد. این نوع از گازها به دلیل هزینه‌ی بالا در استخراج تاکنون مورد توجه قرار نداشتند اما آمریکایی‌ها در حال حاضر موفق شده‌اند این گازها را در سطح کلان تجاری مورد استفاده قرار دهند و این امر می‌تواند به‌عنوان یکی از اقدامات آمریکا برای مقابله با موفقیت مجمع گاز باشد (Paul Stevens, 2012).

از بررسی چهار عامل وجود ظرفیت‌های مورد نیاز در شکل‌گیری یک سازمان، اهداف کشورها، وجود پیشران منطقه‌ای و رویکرد ساختار جهانی به این نتیجه می‌رسیم که در این سازمان یا مجمع، ظرفیت‌های لازم برای شکل‌گیری یک همگرایی وجود دارد. اگر چه با بررسی ظرفیت‌ها متوجه وجود ضعف‌هایی در بعضی موارد بودیم که شاید مهم‌ترین آنها نبود یک بازار جهانی برای قیمت‌گذاری گاز بود اما روی هم رفته در این قسمت ظرفیت‌های لازم وجود دارد.

در بحث اهداف سیاسی از موضع‌گیری کشورهای عضو مجمع مشخص می‌شود که اهداف این کشورها دارای تفاوت‌های اساسی است. به تعبیر هالوچه همان‌طور که در اهداف کشورهای عضو اوپک تفاوت‌هایی وجود دارد، در مجمع گازی نیز شاهد اهداف متفاوت هستیم (Hallouch Hadi, 2006). همان‌طور که بیان شد از یک سو گرایش به سوی تمرکزگرایی انرژی و بهره‌برداری سیاسی از آن و از سوی دیگر بهره‌برداری از ظرفیت همکاری برای جلوگیری از رقابت‌های بی‌هوده در بازارهای بین‌المللی که در نهایت منجر به افزایش قیمت‌های گاز می‌شود یعنی کسب منافع اقتصادی را شاهد هستیم. در بحث جهت‌گیری‌های سیاسی نیز اعضا، اهداف مشخص و واحدی را دنبال

نکرده و با تغییر دولت در داخل این کشورها، سیاست‌های آنها نیز نسبت به موضوع انرژی متفاوت می‌شود.

در بحث پیشران نیز بررسی کردیم که روسیه به‌طور بالقوه دارای دو مولفه اراده و توان برای بر عهده گرفتن نقش پیشران در این مجمع است. حضور روسیه در این مجمع می‌تواند در جهت دهی به سیاست‌های مجمع مؤثر باشد و با توجه به پتانسیل‌های موجود در روسیه این کشور خواهد توانست به موفقیت همگرایی در این مجمع کمک نماید. اما اینکه آیا روسیه با توجه به نیازهای داخلی و سیاست‌های مربوط به انرژی خود این تمایل را داشته باشد که به‌عنوان پیشران منطقه‌ای در این مجمع فعالیت کند یا خیر، مسأله‌ای است که در آینده می‌توان در مورد آن قضاوت کرد. اما در مورد آخر یعنی نظر ساختار جهانی نیز بر اساس موارد شش گانه فوق الذکر به‌ویژه بند ۱ به روشنی معلوم می‌شود که آمریکا هیچ نظر مثبتی در مورد این مجمع ندارد و تلاش می‌کند به هر طریقی از موفقیت این مجمع جلوگیری به عمل آورد.

##### ۵- تدوین راهبردهای بهینه تقویت جایگاه ایران در GECF بر اساس مدل تحلیل راهبردی

در این بخش، به‌منظور تدوین استراتژی برای تقویت جایگاه ایران در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز، فرصت‌ها و تهدیدها بر اساس روش تحلیل راهبردی بررسی و تحلیل می‌شوند. با توجه به همکاری دو کشور روسیه و قطر در عرصه صادرات گاز طبیعی و رقابت آنها با ایران، سیاست‌گذاران انرژی کشور می‌بایست سیاست‌های این دو کشور را در حوزه‌ی صادرات گاز به دقت دنبال کرده و زمینه‌های تعامل و همکاری با این دو صادرکننده‌ی بزرگ مجمع و بازار جهانی را فراهم سازند. از بین کشورهای عضو مجمع تنها قطر و روسیه می‌توانند در شرایط موجود نقش ناظم بازار را ایفاء کنند. روسیه می‌تواند به دلیل دسترسی به بازار بزرگ اروپا سیاست‌های کنترلی را در بخش خط لوله اتخاذ کند و قطر نیز با توجه به زیرساخت‌های صادرات ال‌ان‌جی این کشور می‌تواند بازار را با هدف تأمین منافع کشورهای عضو مجمع در بخش ال‌ان‌جی کنترل کند. در این میان ایران با توجه به ذخایر عظیم گاز طبیعی، دسترسی به بازارهای بزرگ مصرفی در شرق و غرب (به ویژه اروپا، هند و پاکستان)، و همچنین دسترسی به آبهای

آزاد می‌تواند نقش کنترلی را در بازار جهانی گاز در هر دو حوزه‌ی خط لوله و ال‌ان‌جی ایفاء کند و در این راستا به‌منظور ایجاد نظم در بازار با قطر و روسیه همکاری کند. لازم به ذکر است که بازیگران رسمی و غیر رسمی که ناگزیر از رقابت و تلاش برای بقا در محیط‌های به شدت متلاطم، بی ثبات و در حال تغییر و تحول هستند، برای رویارویی با عوامل و رخداد‌های محیطی تأثیرگذار بر فعالیت‌های خود، با دو رویکرد و مکتب مدیریتی عمده مواجه‌اند: یکی مکتب توصیفی - انطباقی<sup>۱</sup> که برخوردی انفعالی و اقتضایی با این تحولات داشته و اقدام به موقع و منطبق با شرایط مد نظر است. دیگری مکتب پیش تدبیری یا تجویزی<sup>۲</sup> است که برخوردی فعال با عوامل محیطی را تجویز می‌کند.

روش تحلیل راهبردی (S.W.O.T) به توصیه مکتب پیش تدبیری و برای شناسایی و تدوین راهبردهای بهینه برای واحد تحلیل به کار می‌رود. در این روش، راهبرد عبارت است از فرآیند تصمیم‌گیری که طی آن عوامل درونی واحد تحلیل (ضعف‌ها و قوت‌ها)، با عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط می‌شوند که ارزش هر یک از آنها در تحقق اهداف آن واحد تحلیل به خوبی مشخص می‌گردد. واژه S.W.O.T برگرفته از حرف نخست این لغات می‌باشد: Strength به معنی نقاط قوت، Weakness به معنی نقاط ضعف، Opportunity به معنی فرصت و Threat به معنی تهدید است.

نتایج حاصل از این تعاملات، چهار دسته راهبرد می‌باشد:

**راهبردهای قوت - فرصت (SO)** این حالت، مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین حالت برای واحد تحلیل است و بدین معنی است که واحد تحلیل ضمن آنکه از توانایی‌ها و نقاط قوت در خور و قابل اتکایی برخوردار است، در محیط تعاملی و زمینه‌ای خود نیز با فرصت‌های مناسب و گرانبهایی مواجه است. بنابراین، این دسته از راهبردها چگونگی به‌کارگیری توان موجود واحد تحلیل در جهت بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های مغتنم محیطی را بیان می‌دارد.

1. Descriptive schools  
2. Prescriptive schools

**راهبردهای قوت - تهدید (ST):** در این حالت، واحد تحلیل هر چند از قوت‌ها و توانایی‌های قابل اتکایی برخوردار است، ولی در محیط تعاملی و زمینه‌های خود نیز با چالش‌ها و تهدیدهای متعدد و جدی روبرو می‌باشد. بنابراین، این دسته از راهبردها چگونگی بهره‌گیری از حداکثر توان موجود برای مقابله بهینه با فشارها، چالش‌ها و تهدیدهای محیطی را ترسیم می‌کند.

**راهبردهای ضعف - فرصت (WO):** در این حالت، هر چند فرصت‌های متعدد و گرانبهایی برای واحد تحلیل در محیط فراهم است، ولی از سوی دیگر ضعف‌ها و ناتوانی‌ها و آسیب‌پذیری‌های جدی نیز آن را در بر گرفته است. بنابراین، با استفاده از راهبردهای (WO) باید نهایت تلاش خود را برای جبران ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود با استفاده از فرصت‌های محیطی به کار بندد.

**راهبردهای ضعف - تهدید (WT):** این حالت، بدترین، دشوارترین و مخاطره‌آمیزترین شرایط را برای فعالیت سازمان ترسیم می‌کند. زیرا، با وجود آن که با ضعف‌ها و ناتوانی‌های متعدد و قابل توجهی مواجه است، در محیط‌های تعاملی یا زمینه‌ای خود نیز با فشارها، چالش‌ها و تهدیدهای گوناگونی باید مقابله نماید. از این رو، با استفاده از راهبردهای (WT) سعی می‌کند نقاط ضعف خود را به نوعی پوشش دهد یا آسیب‌پذیری‌های خود را از ناحیه تهدیدهای محیطی کمینه نموده، به حداقل ممکن برساند و یا در صورت امکان، خود را از گزند این آسیب‌ها و تهدیدها مصون و به دور نگه دارد.

### - تحلیل SWOT حوزه‌های اقتصادی - سیاسی کشور ایران

جدول ۱. تحلیل SWOT وضعیت سیاسی ایران در مجمع

نقاط قوت	نقاط ضعف
<ul style="list-style-type: none"> <li>● ثبات سیاسی به نسبت دیگر کشورهای</li> <li>درگیر بحران منطقه خاورمیانه که عضو</li> <li>GECF هستند چون مصر، قطر، الجزایر</li> <li>و لیبی. بخش گسترده ثبات سیاسی به</li> <li>دلیل انسجام نهادهای نظامی و سیاسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● ضعف در شاخص‌های حقوقی و ثبات حقوقی</li> <li>به‌خصوص در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی</li> <li>● نامشخص بودن و ابهام حیطه‌های کارکردی بخش</li> <li>خصوصی و دولتی</li> <li>● عدم هماهنگی و انسجام نهادی نهادهای</li> </ul>

نقاط قوت	نقاط ضعف
<p>در حمایت از سیستم سیاسی است.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● وضعیت ژئوپلیتیکی نافذ و تأثیرگذار بر جریانات انتقالی</li> <li>● دسترسی مستقیم جغرافیایی به بازارهای مصرف منطقه‌ای و امکان دسترسی با مزیت به بازارهای جهانی</li> </ul>	<p>تصمیم‌گیر در بخش انرژی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● عدم وضوح استراتژی انرژی بلندمدت (اسناد بالادستی) و عدم تداوم و استمرار برنامه‌ها</li> <li>● اهداف متفاوت در تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز نسبت به دیگر اعضا به‌جز روسیه<sup>۱</sup></li> <li>● عدم وضوح استراتژی کلان سیاست خارجی در خصوص مفاهیمی چون تعریف، ابعاد، حوزه‌ها و سازوکارهای تأمین منافع ملی.</li> <li>● دخالت‌های سیاسی در ساختارهای اقتصادی و غلبه اولویت‌های سیاسی بر واقعیت‌های اقتصادی</li> <li>● عدم وجود رویه باثبات در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی</li> </ul>
فرصت‌ها	تهدیدها
<ul style="list-style-type: none"> <li>● فرصت برای ائتلاف سازی سیاسی به‌عنوان یک بلوک قدرت</li> <li>● فرصت برای حل اختلافات دوجانبه و تسری همکاری‌های اقتصادی - فنی به همکاری‌های غیر اقتصادی و فنی و نهایتاً<sup>۲</sup> امکان شکل‌گیری بلوک قدرت ضد هژمونیکی.</li> <li>● فرصت بهره‌گیری از مزیت‌های ژئوپلیتیکی اعضا برای گسترش همکاری‌های فنی درون سازمانی</li> <li>● فرصت کسب پشتیبانی اعضا در مقابل فشارهای سیاسی غرب</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● امکان انزوای ایران از نظر مدیریتی - سیاسی با قدرت گرفتن رقبای ایران با توجه به وضعیت تحریم ایران از سوی غرب با توجه به مقوله انرژی هسته‌ای ایران.</li> <li>● امکان سوء استفاده کشورهای با سیاست همراهی<sup>۳</sup> با غرب مثل قطر، الجزایر و یا روسیه (البته با سیاست‌های متنوعی که در زمانهای مختلف و موضوعات مختلف بین همراهی و توازن‌گری در نوسان است) از وضعیت تحریمی ایران و تضعیف نگاه توازن‌گری ایران به مجمع ( Wohlforth, 2008).</li> </ul>

۱. به منظور اطلاع بیشتر از اهداف روسی و ایران در GECF به گزارش بنیاد هریتیج با آدرس ذیل بنگرید:  
Ariel Cohen (2008) OPEC Redux: Responding to the Russian-Iranian Gas Cartel. Available At: < <http://www.heritage.org/research/reports/2008/10/opec-redux-responding-to-the-russian-iranian-gas-cartel> >

۲. (برای مطالعه مباحث نظری تسری همکاری از اقتصادی به سیاسی بنگرید به Chris Gelpi, 1999)

3. Bandwagoning



جدول ۲- تحلیل SWOT وضعیت اقتصادی ایران در مجمع

نقاط قوت	نقاط ضعف
<ul style="list-style-type: none"> <li>● منابع عظیم گازی (معادل ۱۸/۲٪ ذخایر جهانی گاز) و جایگاه اول جهانی از نظر ذخایر اثبات شده (BP, 2015)</li> <li>● زیرساخت‌های مناسب توسعه‌ی ظرفیت تولید گاز و زیرساخت‌های مکمل</li> <li>● فرصت‌های قابل توجه جهت سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به اقدامات جدید در جذابتر کردن قراردادهای حوزه‌ی انرژی خود در قالب IPC</li> <li>● برخورداری از کیلومترها مرز آبی و ارتباط با آب‌های بین‌المللی و قابلیت ایجاد اسکله‌ها و بنادر صادراتی</li> <li>● ارتباط با دو حوزه‌ی اقتصادی مهم جهانی (آسیای مرکزی و خلیج فارس)</li> <li>● توان علمی بالا در فعالیتهای گازی هرچند در بسیاری موارد این توان علمی به عرصه‌ی عملیاتی منجر نشده است.</li> <li>● نیروی کار ماهر و آموزش دیده بومی</li> <li>● پتانسیل صادراتی دوگانه و ترکیبی (خط لوله و LNG)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● مصرف فزاینده و روبه رشد گاز طبیعی (BP, 2015) در داخل کشور و میزان بهره‌وری پایین انرژی در ایران</li> <li>● صادرات ناچیز گاز طبیعی و دارا بودن رتبه ۱۵ صادرات گاز جهان با سهم ۰/۷ درصدی</li> <li>● وجود موانع قانونی و عدم شفافیت قوانین تجاری موجود در جهت جذب سرمایه‌گذاران خارجی به‌ویژه در صنعت نفت و گاز</li> <li>● محدودیت منابع سرمایه‌گذاری و نیاز فزاینده به جذب سرمایه‌گذاری و دانش فنی در صنعت گاز</li> <li>● بالاتر بودن نرخ تورم و بیکاری در کشور در مقایسه با کشورهای تازه صنعتی شده و رقبای منطقه‌ای</li> <li>● نظام پولی و مالی توسعه‌ی نیافته و غیر مرتبط با سیستم‌های بین‌المللی</li> <li>● بخش خصوصی توسعه‌ی نیافته و روند کند و نامناسب خصوصی‌سازی</li> <li>● دولت حجیم و تصدی‌گری گسترده دولت</li> <li>● سطح پایین فن‌آوری مورد استفاده در بخش تولید، انتقال و مصرف.</li> <li>● سطح پایین تولید گاز (BP, 2015)</li> <li>● دخالت‌های سیاسی در ساختارهای اقتصادی و غلبه اولویت‌های سیاسی بر واقعیت‌های اقتصادی</li> <li>● عدم وجود رویه باثبات در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی</li> </ul>
فرصت‌ها	تهدیدها
<ul style="list-style-type: none"> <li>● فرصت ایجاد سیاست‌های اقتصادی مشترک در عرصه تولید و قیمت‌گذاری</li> <li>● پتانسیل ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک و جلوگیری از رقابت میان اعضاء که منجر به تضعیف صادرکنندگان و تقویت موضع مصرف کنندگان می‌شود</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● امکان تنظیم سیاست سهمیه بندی که در این صورت ملاک میزان تولید محتمل ملاک تعیین سهمیه است. محدودیت ظرفیت تولید ایران می‌تواند سبب شکل‌گیری تهدید در تخصیص سهمیه ناچیز و گردد.</li> <li>● تهدید تقسیم بندی و تثبیت بازارهای مصرف در</li> </ul>

<p>● بهره‌گیری از تجربه‌های مشترک در عرصه بالادستی و پایین دستی</p> <p>● امکان شکل دهی به بلوک اقتصادی در بلندمدت. با توجه به اینکه حداقل در حال حاضر دو قدرت حاضر در مجمع دارای گرایش‌های شدید ضد هژمونیکی هستند.</p>	<p>● چارچوبه نهادی به ضرر ایران با حفظ برتری روسیه و قطر</p> <p>● محدود سازی رفتاری ایران. با توجه به وضعیت خاص کنونی ایران، در صورت تعیین سهمیه‌ها بر اساس ظرفیت تولید فعلی، احتمال تهدید منافع ایران در شرایط رفع تحریم‌های بین‌المللی و افزایش تولید ایران وجود دارد. وضعیتی که هم اکنون عراق در اوپک با آن روبروست.</p>
--	---

### - تحلیل SWOT حوزه‌های اقتصادی - سیاسی کشور روسیه

#### جدول ۳- تحلیل SWOT وضعیت سیاسی روسیه در مجمع

نقاط ضعف	نقاط قوت
<p>● بی‌اعتمادی دیگر اعضا خصوصاً ایران به میزان قاطعیت سیاسی روسیه</p> <p>● ترس اعضا از رویکرد فرصت طلبانه روسیه نسبت به مجمع نسبت به اینکه روسیه مجمع را به‌عنوان یک کارت بازی در بازیهای خود با غرب و به‌خصوص ایالات متحده در نظر می‌گیرد.</p> <p>● نوسان رفتاری روسیه در مجمع در پشتیبانی از مواضع اعضا با رویکردهای مختلف (ایران و قطر)</p> <p>● بی‌اعتمادی بازار مصرف اروپا به روسیه مبنی بر امنیتی کردن موضوع انرژی</p> <p>● عدم دسترسی ژئوپلیتیکی به بازار جنوب آسیا</p> <p>● تهدید مطرح شدن بدیل‌های دیگر عرضه کننده انرژی به بازارهای سنتی روسیه در مجمع. بدیل‌هایی چون، شمال آفریقا (الجزایر و لیبی) و ایران و LNG قطر</p>	<p>● عضویت در شورای امنیت به‌عنوان عضو دائم</p> <p>● پتانسیل‌های بالای نظامی - سیاسی روسیه که می‌تواند به‌عنوان پیشران مجمع مطرح شود. به‌جز روسیه کشورهای دیگر عضو پتانسیل سیاسی- نظامی برجسته‌ای برای چارچوب دهی قواعد، تحمل فشارهای بین‌المللی و هزینه‌های سیاسی نخواهند داشت.</p> <p>● رویکرد ملی گرایانه- ضد هژمونیکی جریانات حاکم بر روسیه کنونی. بر خلاف رویکرد غربگرایانه روسیه دوران یلتسین، رویکردهای پوتین- مدودف بیشتر با ایجاد صورت‌بندی‌های چندجانبه‌گرا، موازنه گر و ضد هژمونیکی در عرصه جهانی سازگار است.</p> <p>● حمایت اکثریت پارلمانی از سیاست‌های دولت در ایجاد و تقویت مجمع</p> <p>● برتری ژئوپلیتیکی برای صادرات گاز به اروپا و چین نسبت به دیگر اعضای مجمع از طریق خط لوله</p> <p>● تمرکز تصمیم‌گیری در دولت پوتین- مدودف و وضوح استراتژی سیاسی کشور</p> <p>● روابط دیپلماتیک گسترده با چین در سازمان همکاری‌های شانگ‌های (SCO) که می‌تواند در دسترسی به بازار مصرف چین تسهیل گر باشد</p>

فرصت‌ها	تهدیدها
<ul style="list-style-type: none"> <li>● تقویت موضع سیاست خارجی روسیه در عرصه بین‌المللی (مقابل اروپا و آمریکا) با افزایش جایگاه این کشور در عرصه انرژی (انرژی به مثابه ابزار سیاسی در خدمت منافع ملی روسیه)</li> <li>● جلب همکاری دیگر اعضای همسو در ائتلاف سازی ضد هژمونیکی روسیه (Jeremy Pressman, 2008)</li> <li>● مطرح شدن به‌عنوان پیشران همگرایی کشورهای صاحب منابع گازی و وابسته سازی آنها به پشتیبانی و حمایت خود.</li> <li>● بسط حضور سیاسی روسیه در تعاملات دیپلماتیک در حوزه‌هایی که در گذشته با آنها تعامل داشت. کشور قطر در خلیج فارس مهم‌ترین گزینه تأمین این هدف روسیه است.</li> <li>● افزایش نقش بین‌المللی مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز در بازارهای مصرف و کاهش نقش رقبای روسیه در خارج از مجمع چون ترکمنستان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● سیطره گرایش غرب محوری و همراهی با آن در بین کشورهای مجمع که خلاف رویکرد توازن سازی روسیه است. در حال حاضر ونزوئلا و ایران در مجمع سیاستی سازگار با روسیه دارند. وضعیت لیبی احتمالاً تغییر خواهد کرد و تغییر روابط ایران با غرب نیز با حل مسئله‌ای هسته‌ای ایران بسیار محتمل است.</li> <li>● گسترش بی اعتمادی سیاسی ایران و روسیه در مجمع در پی عدم حمایت‌های سیاسی اخیر روسیه از پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت.</li> </ul>

جدول ۴ - تحلیل SWOT وضعیت اقتصادی روسیه در مجمع

نقاط قوت	نقاط ضعف
<ul style="list-style-type: none"> <li>● منابع عظیم گازی با ذخیره معادل ۱۷/۴٪ ذخایر گازی جهان (BP, 2015)</li> <li>● پیش بینی افزایش ظرفیت تولیدی از ۵۷۹ BCM در سال ۲۰۱۴ به ۷۰۰ BCM در سال ۲۰۲۲. سرمایه‌گذاران روسی به‌عنوان ابزارهای پیش‌بینی می‌شود که میزان مصرف داخلی از ۴۰۹ BCM در سال ۲۰۱۴ به ۵۳۹/۵ BCM در سال ۲۰۲۲ برسد. می‌گردد.</li> <li>● (BMI, Q22014) این وضعیت روسیه را در کشورهای مجمع در وضعیت برتری در تعیین سهمیه بندی احتمالی نسبت به رقبای قرار می‌دهد.</li> <li>● عضویت در G8 و G20</li> <li>● دسترسی گسترده به منابع مالی جهانی و جذابیت منابع عظیم روسیه برای شرکت‌های بین‌المللی</li> <li>● تجربه، دانش فنی و توان مالی غول گازی جهان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● ضعف بخش خصوصی روسیه در عرصه انرژی و قدرت شرکت‌های دولتی روسیه. این امر سبب بدگمانی اعضا به سرمایه‌گذاران روسی به‌عنوان ابزارهای تحمیل سیاست‌های روسیه بر اعضا می‌گردد.</li> <li>● ضعف زیرساخت‌های اقتصادی بازمانده از دوران شوروی به‌خصوص قدیمی شدن برخی خطوط انتقال و سیستم‌های انتقالی</li> <li>● بیرون بودن مهم‌ترین رقبای بازار مهم روسیه (اروپا) از مجمع چون ترکمنستان، آذربایجان و عراق</li> </ul>

	<p>(گازپروم) و دیگر شرکت‌های روسی که می‌تواند در سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین اعضا سبب مزیت نسبی روسیه نسبت به دیگر اعضا گردد.</p> <p>● فعالیت گسترده کنونی شرکت‌های روسی در کشورهای مجمع چون ایران، الجزایر، لیبی و ونزوئلا</p> <p>● دسترسی مستقیم به بازار بزرگ انرژی اروپای شرقی و مرکزی. کشورهای لیبی، الجزایر و احتمالاً نیجریه مجبور به گذر خطوط لوله از دریای مدیترانه برای دسترسی به بازار جنوب اروپا می‌باشند. دسترسی ایران به اروپا نیز از مسیر ترکیه یا ارمنستان و گرجستان میسر است.</p> <p>● توانایی مالی گسترده همراه با خودکفایی فنی ابزار مناسبی را برای بازی و جنگ قیمت در بازارهای مشترک نسبت به دیگر اعضای دیگر مجمع برای روسیه فراهم می‌آورد.</p> <p>● نزدیکی حوزه‌ی گازی ساخالین به بازار پاسفیک</p>
تهدیدها	فرصت‌ها
<p>● ورود اعضای دیگری که سیاست‌های متفاوتی با مسکو دارند چون آذربایجان و عراق</p> <p>● ورود ایران به رقابت جدی با روسیه در بازار اروپای شرقی (مسیر ارمنستان - گرجستان - اکراین) و بازار جنوب و مرکز اروپا (نوباکو) در صورت حل مسئله هسته‌ای ایران</p> <p>● گسترش همکاری‌های ترکمنستان و ایران در جایگزینی مسیر ایران نسبت به مسیر روسیه در انتقال گاز ترکمنستان به اروپا در شرایط حذف فشارهای غرب و آمریکا بر ایران تهدیدی جدی برای روسیه است.</p>	<p>● مدیریت رقابت احتمالی روسیه در بازار انرژی به خصوص اروپا</p> <p>● حضور شرکت‌های روسی در عرصه گازی کشورهای عضو در صورت نهادینه شدن سرمایه‌گذاری مشترک اعضا</p> <p>● شکل دهی به بلوک اقتصادی به رهبری خود</p> <p>● فرصت تحمیل سهمیه بندی تولید بر اساس میزان تولید یا میزان ذخایر. در هر صورت سهمیه بندی فرصتی برای مسکو برای مدیریت نهادینه رقابت.</p>

## - تحلیل SWOT حوزه‌های اقتصادی-سیاسی کشور قطر

جدول ۵- تحلیل SWOT وضعیت سیاسی قطر در مجمع

نقاط ضعف	نقاط قوت
<p>● عدم وجود عمق استراتژیک این کشور نسبت به دیگر اعضای مجمع</p> <p>● بدگمانی طرفداران گاز به‌عنوان ابزار سیاسی در مجمع به کشور قطر به‌عنوان شریک نامطمئن.</p> <p>● قرارگیری در منطقه بحرانی خلیج فارس امنیت سرمایه‌گذاری را در بلندمدت با مشکل روبرو می‌نماید.</p> <p>● اثرپذیری قطر از سیاست‌های مقابله‌ای ایالات متحده علیه بلوک سازی روسیه و ایران در حوزه‌ی گاز طبیعی. به دلیل اینکه قطر بنابه منافع راهبردی از سیاست همراهی با ایالات متحده پیروی می‌کند (Randall, 1994)</p>	<p>● عدم چالش اجتماعی-سیاسی گسترده مردم با حکومت با توجه به درآمد سرانه بالای این کشور. این امر سبب ثبات سیاسی، رویکردها و سیستم تصمیم‌گیری این کشور در مورد مجمع می‌شود.</p> <p>● رویکرد میانه روانه حکومت در جهت‌گیری‌های بین‌المللی. این کشور هرچند در جمع بندی کلی در زمره کشورهای قرار می‌گیرد که دارای سیاست همراهی با آمریکا است اما سعی کرده در جهت‌گیری‌های منطقه‌ای سیاست میانه روانه و میانجی‌گری را ایفا نماید. در مجمع کشورهای صادرکننده گاز، این سیاست می‌تواند سبب قدرت نرم این کشور گردد.</p> <p>● عدم وجود مشکلات سیاسی خارجی نسبت به دیگر اعضای مجمع که منجر به تأثیرگذاری در تعاملات گازی این کشور شود.</p> <p>● ثبات سیاسی این کشور و نگاه اقتصادی صرف این کشور به مقوله گاز سبب‌پذیرش آسانتر این کشور از سوی کشورهای مصرف کننده گاز گردیده است. این نقطه قوت زمانی اهمیت می‌یابد که فشارهای بین‌المللی علیه ایران و بی‌اعتمادی سیاسی به روسیه از سوی اروپا بر ورود این کشورها به بازارهای مصرف موانعی را ایجاد کرده است.</p> <p>● عضویت همزمان در اوپک، آووپک و مجمع کشورهای صادرکننده گاز.</p>
تهدیدها	فرصت‌ها
<p>● روابط نزدیک با ایالات متحده و میزبانی پایگاه‌های نظامی آمریکا که سبب نگرانی و تشدید تنش با دیگر اعضای مجمع مثل ایران می‌شود</p> <p>● افزایش رقابت با ایران بر سر موضوع</p>	<p>● کسب تعاملات جدی‌تر از سوی غرب به‌عنوان کشوری که دارای نزدیک‌ترین گرایش سیاسی به آنها در مجمع کشورهای صادرکننده گاز است.</p> <p>● وجود دبیرخانه دائمی در قطر، فرصت تأثیرگذاری بیشتری را بر جهت‌گیری‌های مجمع</p>

برای این کشور فراهم می‌کند. ● فرصت شکل بخشی به یک بلوک مشترک عربی در مجمع از طریق هماهنگ سازی سیاست‌ها با مصر، لیبی و الجزایر ● تقویت امنیت ملی این کشور از تهدیدهای بیرونی به موازات اهمیت یافتن آن در بازار گاز بین‌المللی. درست همانند اهمیت کویت در سال ۱۹۹۱ که حمله عراق به آن با واکنش ائتلاف بین‌المللی روبرو شد.	میزان برداشت از حوزه‌ی مشترک گازی با توجه به عدم لغو کامل تحریم‌های ایران و سرمایه و فناوری خارجی در توسعه‌ی منابع انرژی مشترک خود. ● نزدیکی بیشتر مواضع سیاسی مسکو-تهران در خصوص نگاه امنیتی به گاز در مقابل نگاه صرف اقتصادی دوحه به گاز
--	---

جدول ۶. تحلیل SWOT وضعیت اقتصادی قطر در مجمع

نقاط ضعف	نقاط قوت
● انحصار دسترسی این کشور به بازارهای مصرف گاز از طریق LNG ● وابستگی فنی- علمی به سرمایه‌گذاری و نیروی کار خارجی در طرح‌های توسعه‌ای و ضعف بخش‌های بومی کشور ● توسعه‌ی محدودتر بخش تولید برق متناسب با تولید گاز.	● منابع گازی گسترده معادل ۱۳/۱ درصد ذخیره گاز جهانی (BP, 2015) ● ظرفیت بالای تولید این کشور. قطر در سال ۲۰۱۴ معادل ۴۴/۸ BCM تولید داشته و مصرف این کشور ۴۴/۸ BCM بوده است. ظرفیت صادراتی این کشور در این سال ۱۳۲ بوده است. پیش بینی میزان تولید این کشور در سال ۲۰۲۲ معادل ۱۸۱.۵ BCM است. پیش بینی مصرف گاز در این کشور نیز در این سال ۶۰.۵ BCM می‌باشد که به این ترتیب در سال فوق ظرفیت صادراتی ۱۲۱ BCM خواهد بود (BMI, Q22014). لازم به ذکر است که در سال ۲۰۱۰ میزان تولید LNG این کشور به ۷۵ میلیون تن در سال رسید. ● زیرساخت‌های عظیم و توسعه‌ی یافته تولید و انتقال LNG ● ساختارهای حقوقی و قانونمندی به نسبت بهتر نسبت به دیگر اعضای مجمع. مالکیت ۱۰۰ درصد خارجی با تصویب دولت در بخش‌های کشاورزی، توریسم و منابع طبیعی اجازه داده شده است. این امر جذابیت این کشور برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش می‌دهد. ● سیاست‌های مالی و پولی بازار محور و با ثبات و جایگاه بهتر این کشور نسبت به دیگر اعضای مجمع در رده‌بندی جهانی سازمان «شفافیت». این کشور جایگاه ۲۹ را در این رده بندی دارد که به نسبت دیگر اعضا جایگاه بسیار مناسب‌تری است.

تهدیدها	فرصت‌ها
<ul style="list-style-type: none"> <li>● تهدید بازارهای منطقه‌ای این کشور در صورت رفع کامل تحریم‌های ایران</li> <li>● تهدید امنیت تقاضای این کشور با گسترش طرح‌های توسعه‌ای دیگر اعضا</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● چانه زنی برای افزایش قیمت گاز در قالب یک سازمان اقتصادی</li> <li>● مدیریت اختلافات در زمینه رقابت‌های غیرسازنده تولیدکنندگان</li> <li>● فرصتی برای تلاش برای سهمیه بندی تولید به همراه روسیه. این دو کشور بیشترین سود را از این سیاست خواهند برد.</li> </ul>

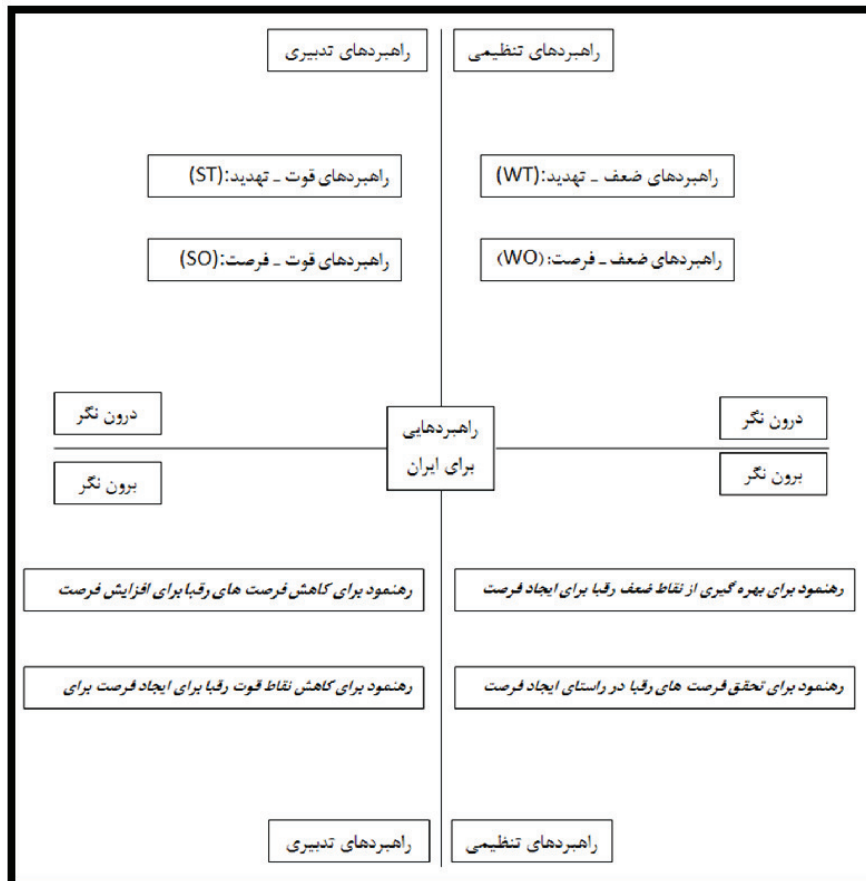
#### ۶- تجزیه و تحلیل و ارائه راهبرد

در این بخش از مطالعه از طریق ترسیم مراحل اجرایی استراتژی و تهیه نقشه راه به بررسی راهکارهای اجرای استراتژی حضور ایران در مجمع پرداخته می‌شود. ترسیم رویکردهای اصلی بر اساس مدل زیر (شکل ۳) که برگرفته از روش تحلیل راهبردی است در قالب دو رویکرد اصلی سیاست‌های تدبیری و تنظیمی ترسیم شده است.

#### بررسی الزامات اجرای استراتژی تدوین شده و ترسیم نقش بخش‌های مختلف در اجرا

در این پژوهش سعی شده تا با توجه به اهداف و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران و نیز توجه به وضعیت سیاسی - اقتصادی موجود (تحریم‌ها) به صورت علمی به ارائه یکسری راهبردهای عملی و تحقق‌پذیر در دو عرصه درونی و بیرونی اقدام گردد. این راهبردها در حقیقت تاکتیک‌های رفتاری هستند که اگر به کار گرفته شوند، خود به سازوکاری برای تأمین اهداف کلان تبدیل می‌شوند.

شکل ۳- مدل ترسیم رویکردهای اصلی بر اساس روش تحلیل راهبردی



ماخذ : شهابی، سهراب و بخشی، جواد، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی 81، بهار 1392.

### الف- راهبردهای درون نگر

#### الف-۱- راهبردهای قوت - فرصت (SO)

الف-۱-۱- توسعه‌ی ظرفیت تولید از طریق شایسته‌گماری نیروهای تخصصی داخلی. در این شرایط می‌توان امیدوار بود که مهم‌ترین نقطه قوت اقتصادی ایران (داشتن ذخیره گازی دوم جهان) به فرصت تبدیل شود.



الف-۱-۲- جذاب‌تر کردن شرایط جذب سرمایه‌گذاری خارجی با توجه شرایط تحریم (اروپایی-آمریکایی) از طریق درخواست بازنگری از مراکز قانونی برای بروز کردن شرایط انعقاد قراردادهای حوزه‌ی نفت و گاز

الف-۱-۳- توسعه‌ی همزمان زیرساخت‌های صادراتی دوگانه (خط لوله و LNG) برای جلوگیری از تقسیم بندی این امور بین روسیه و قطر

الف-۱-۴- بهره‌گیری از پتانسیل‌های فنی و تکنولوژیکی (نقطه قوت ایران) در توسعه‌ی زیرساخت‌های انرژی کشورهای کمتر توسعه‌ی یافته با هزینه‌های مهندسی پایین‌تر برای ایجاد امنیت تقاضای گازی برای ایران (مانند پاکستان)

#### الف-۲- راهبردهای قوت- تهدید (ST)

الف-۲-۱- استفاده از مزیت ژئوپلیتیکی بر کسب مسیرهای انتقالی برای عدم تهدید انزوای ایران در بازار انرژی. (وابسته سازی مسیرهای انرژی به خود از طریق پایین نگه داشتن هزینه‌ی انتقال)

الف-۲-۲- بهره‌گیری از ذخیره مناسب ارزی برای ارائه اعتبارات به پروژه‌های حوزه‌ی گاز کشورهای مصرف کننده به شرط تأمین مواد اولیه خود از ایران (تأمین امنیت تقاضا که به‌عنوان یک تهدید ایران مطرح است) مشابه اقدامات عربستان که با روزآمد سازی پالایشگاه فوجیان چین برای تأمین امنیت تقاضا برای نفت سنگین خود اقدام نمود.

الف-۲-۳- استفاده از همسویی روابط با روسیه در جهت جلب سرمایه‌گذاری روسی در ایران برای رفع تهدید عدم تسریع پروژه‌های افزایش تولید.

الف-۲-۴- تمرکز بر حوزه‌ی گازی مشترک با قطر و جبران عقب ماندگی برداشت از آن. طبیعتاً مزیت پراکندگی ذخایر گازی ایران این زمینه را فراهم می‌سازد. بازار بزرگ مصرف داخلی گاز ایران نیز می‌تواند حتی در صورت ضعف بازیاریابی خارجی در وهله اول از گاز تولیدی حوزه‌های مشترک تأمین گردد.

الف-۲-۵- بازار بزرگ مصرف کالاهای مختلف وارداتی می‌تواند برگ بازی مناسبی باشد که در ازای فعالیت شرکت‌های معتبر کشورهای صادرکننده‌ی کالا مورد توجه قرار گیرد. تجربه چین از بهره‌گیری از بازار بزرگ مصرف خود در کسب امتیاز از کشورهای صادرکننده می‌تواند به‌عنوان الگو مطرح گردد.

### الف-۳- راهبردهای ضعف- فرصت (WO) استفاده از فرصت‌های محیطی برای رفع ضعف‌ها

الف-۳-۱- استفاده از فرصت بی‌اعتمادی سیاسی اروپا به روسیه و تنش زدایی با روسیه برای کسب توجه این اتحادیه به ایران به‌عنوان منبع تأمین نیازهای گازی خود.

الف-۳-۲- بهره‌گیری از فرصت بحران گازی شرق اروپا بعد از بحران اکراین ۲۰۰۸ و گرجستان برای پیگیری مسیر انتقالی ایران-ارمنستان-گرجستان-اکراین

الف-۳-۳- بهره‌گیری از فرصت مشکلات اجرایی طرح ترانس کاسپین و نشانه‌های ناامیدکننده از روند توسعه‌ی حوزه‌ی شاه‌دنیز آذربایجان در تأمین گاز مورد نیاز نوباکو برای از بین بردن ضعف امنیت تقاضای ایران

الف-۳-۴- بهره‌گیری همزمان از فرصت ناشی از حاکمیت جناح ملی‌گرا و توازن گرای پوتین-مدودف برای جلب همکاری‌های روسیه در برنامه‌ی افزایش تولید ایران

**الف-۴- راهبردهای ضعف- تهدید (WT)**

این راهبرد، بدترین وضعیت برای راهبرد دهی به یک سیستم سیاسی است، چون از یکسو در سطح داخلی با ضعف‌های گسترده‌ای روبروست و از سوی دیگر در عرصه بیرونی نیز با تهدیدهای شدیدی مواجه است. در این شرایط سعی می‌شود تا با کاهش ضعف‌ها، از تشدید تهدیدات کاسته شده و تهدیدات کمینه گردند. مهم‌ترین رهنمودهای این استراتژی با توجه به وضعیت تهدیدهای بیرونی ایران (تحریم‌ها) و ضعف‌های داخلی (ضعف ظرفیت تولید) که می‌تواند سبب تقویت جایگاه ما در مجمع گردد، عبارتند از:

الف-۴-۱- تاکید بر بهره‌وری بیشینه مصرف گاز در کشور

الف-۴-۲- مدیریت و کاهش مصرف گاز از طریق توسعه‌ی انرژی‌های نو و صنعتی‌سازی و در نتیجه کاهش هزینه‌های به‌کارگیری انرژی‌های بدیل

الف-۴-۳- جذب توان اجرایی و علمی نخبگان ایرانی خارج از کشور که در صنعت گاز فعال هستند در سیستم تصمیم‌گیری و اجرایی فعالیت‌های حوزه‌ی انرژی

الف-۴-۴- شایسته‌گماری در صنعت انرژی

الف-۴-۵- بهره‌گیری بیشینه از توان بخش خصوصی برای کاهش ضعف کمبود سرمایه و نیز بهره‌گیری از توان مدیریتی صرفه‌جویانه آن.

الف-۴-۶- اصلاح موانع حقوقی، سیاسی و بروکراتیک در جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و فعالیت اجرایی پروژه‌ها

### ب- راهبردهای برون‌نگر

#### ب-۱- رهنمود برای بهره‌گیری از نقاط ضعف رقبا برای ایجاد فرصت برای ایران

ب-۱-۱- تمرکز بر بازار انرژی جنوب آسیا که هر دو رقیب ایران در مجمع (قطر و روسیه) از دسترسی مستقیم ژئوپلیتیکی به آن محرومند.

ب-۱-۲- انحصار و تمرکز منابع مهم گازی قطر در حوزه (گنبد شمالی که در ایران پاری جنوبی خوانده می‌شود) نقطه ضعف مهم قطر است که ایران می‌تواند با تمرکز برداشت از این حوزه‌ی مشترک نسبت به منابع داخلی خود، از نقطه ضعف قطر در راستای منافع خود بهره‌گیرد.

ب-۱-۳- تصور بدبینی سران کشورهای آسیای مرکزی به روسیه به‌عنوان حکومت تزاری جدید، نقطه ضعف روسیه است که ایران می‌تواند با قراردادهای عادلانه‌تر هزینه‌های انتقالی سبب تقویت جایگاه خود نسبت به روسیه در این منطقه شود.

#### ب-۲- رهنمود برای تحقق فرصت‌های مجمع برای رقبا در راستای ایجاد

#### فرصت برای ایران

ب-۲-۱- صرفاً در شرایط تداوم تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و امتناع اروپا از محاسبه ایران به‌عنوان منبع صادرات گاز، پیشنهاد می‌شود که:

ایران مذاکرات جدی برای فروش و بهره‌گیری از سیستم انتقالی روسیه برای انتقال گاز خود به‌جای گاز ترکمنستان انجام دهد. در این صورت تحقق فرصت روسیه در چارچوب ایجاد فرصت برای ایران در چارچوب مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز خواهد بود. مهم‌ترین شیوه انتقالی نیز می‌تواند عملیات احداث خط لوله ترانس خزر شمالی جنوبی از زیر بستر دریای خزر باشد. دیگر مسیرهای صادراتی، صادرات از طریق ترکمنستان و نیز مسیر آذربایجان می‌باشد.

ب-۲-۲- یکی از مهم‌ترین فرصت‌های مجمع برای روسیه، تحقق شرایط مناسب برای فعالیت شرکت‌های حوزه‌ی انرژی روسی است. تسهیل و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری

مشترک درون سازمانی و محقق کردن فرصت‌های روسیه در چارچوب افزایش ظرفیت تولید ایران و ایجاد فرصت چانه زنی برای ایران است

ب-۲-۳- تشکیل مجمع فرصتی برای قطر برای مدیریت رقابت در بازاریابی LNG (به شرط تحقق پروژه‌های تولید LNG ایران) به‌خصوص در حوزه‌های نوظهور است. پیشنهاد انعقاد «پیمان همکاری استراتژیک با قطر» می‌تواند در سوء استفاده مصرف‌کنندگان از رقابت تولیدکنندگان جلوگیری نماید و فرصت امنیت تقاضا را برای ایران فراهم سازد.

ب-۲-۴- یکی از مهم‌ترین فرصت‌های مجمع برای روسیه تشکیل بلوک اقتصادی به رهبری خود است. پیشنهاد و پیگیری «دفتر همکاری اوپک و مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز» می‌تواند با توجه به نقش روسیه در بازار تولید نفت و نیز کشورهای اوپک چون نیجریه، ونزوئلا، ایران، لیبی، الجزایر در مجمع فرصتی برای افزایش نفوذ ایران در اوپک گردد زیرا با افزایش همکاری روسیه با اوپک، نقش محوری عربستان به‌عنوان مهم‌ترین رقیب ایران در اوپک کاهش خواهد یافت. خاصه اینکه عربستان در بازار گاز بازیگر مهمی نیست. (Hallouche, 2006)

ب-۲-۵- مجمع فرصتی را برای استفاده قطر از ذخیره ارزی خود برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با ارزش افزوده فراهم می‌آورد، پیشنهاد «صندوق سرمایه‌گذاری مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز» ایجاد فرصتی برای ایران در راستای تحقق فرصت‌های قطر است

### ب-۳- رهنمود برای کاهش فرصت‌های مجمع برای رقبا برای افزایش فرصت

#### برای ایران

ب-۳-۱- یکی از مهم‌ترین فرصت‌های مجمع برای قطر و روسیه تلاش برای سهمیه بندی احتمالی در آینده است که این امر در شرایط کنونی که ظرفیت تولید ایران محدود است، برای ایران تهدیدزا است. کاهش همگرایی روسیه و قطر در این سیاست در مجمع باید مورد توجه جدی ایران قرار گیرد که در چارچوب سیاست «ایجاد شکاف بین قطر و روسیه» مورد پیگیری قرار گیرد. نزدیکی به روسیه و عمل به رهنمودهای ب-۲-۱، ب-۲-۲، ب-۲-۴ می‌تواند در راستا مدنظر قرار گیرد.

ب-۳-۲- سیاست‌گذاری برای هماهنگی با کشورهای ترکیه، گرجستان و اکراین در زمینه فروش یا استفاده از مسیر انتقالی آنها سبب کاهش فرصت بیشینه روسیه برای حفظ بازار اروپاست. لازم است این سیاست همزمان با سیاست ب-۲-۱ در پیش گرفته شود. دلیل این امر منطق «کنترل و توازن» در سیاست‌ها و عدم وابستگی صرف به روسیه و جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی این کشور در تحمیل تجربه ترکمنستان به ایران از سوی روسیه است.

ب-۳-۳- تحریم ایران فرصت‌های بسیار مغتنمی را برای قطر و روسیه در تقویت توان عملیاتی خود فراهم آورده است. تحریم ایران سبب کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و محدودیت ظرفیت تولید و عدم دسترسی به تکنولوژی‌های نوین شده است. از اینرو دو اقدام زیر برای کاهش فرصت‌های قطر و روسیه و افزایش فرصت برای ایران پیشنهاد می‌شود:

- اقدامات کوتاه مدت: اعتماد سازی برای شرکت‌ها در دوره‌ی کنونی تعلیق تحریم‌ها مبنی بر کاهش پتانسیل‌های تخصصی که می‌تواند منجر به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری گردد.

- حذف دائمی تحریم‌ها در بلندمدت: تنش زدایی برای حذف دائمی تحریم‌ها بعد از دوره‌ی اجرایی برجام به منظور تقویت اعتماد سازی سرمایه‌گذاری بین‌المللی و حذف همیشگی بیم بازگشت تحریم‌ها

ب-۳-۴- جلب سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های کشورهای مصرف کننده در پروژه‌های گازی ایران سبب کاهش فرصت‌های صادراتی رقبا گردد.

ب-۴- رهنمود برای کاهش نقاط قوت رقبا در مجمع در راستای ایجاد فرصت ایران نقاط قوت هر کشور امری دائمی و همیشگی نیست، هر چند بسیاری از آنها به دلیل ماهیت ژئوپلیتیکی خود تا زمان زیادی تداوم دارند. برنامه‌ریزی برای کاهش نقاط قوت رقبا می‌تواند سبب ایجاد مطلوبیت برای ایران گردد:

ب-۴-۱- برتری ژئوپلیتیکی روسیه نسبت به دیگر اعضای مجمع در صادرات گاز به اروپا و چین یکی از نقاط قوت روسیه است که می‌تواند در صادرات گاز به این دو برای روسیه ایجاد فرصت کند. توسعه‌ی ظرفیت تولید LNG ایران در صادرات گاز و نیز

پذیرفتن واسطه‌گری ترکیه در صادرات گاز ایران می‌تواند از اهمیت نقطه قوت روسیه در زمینه این برتری ژئوپلیتیکی بکاهد.

۲-۴-۲- افزایش جذابیت‌های منابع گازی ایران (خشکی و فلات قاره) سبب کاهش جذابیت منابع عظیم گازی قطر برای شرکت‌های خارجی خواهد بود. این امر می‌تواند از طریق اصلاح قوانین جذب سرمایه‌گذاری خارجی راهگشا باشد.

۲-۴-۳- ظرفیت بالای تولید قطر و روسیه نقطه قوتی برای این دو کشور در مجمع ایجاد کرده است. افزایش ظرفیت ایران بر اساس رهنمودهای فوق، منجر به فرمول زیر می‌شود که: برابری مزیت‌ها سبب کاهش اهمیت آنها بر اساس «دست‌آورد نسبی» خواهد شد. در این صورت دست‌آورد نسبی ایران از دست‌آورد نسبی قطر و روسیه بیشتر خواهد شد، چون روند تولید ایران افزایشی بوده است.

۲-۴-۴- تأکید بر گسترش اعضا و جذب کشورهای دیگر سبب می‌شود تا با تکثر رای، یکه‌تازی‌ها کاهش یابد. وضعیت محدود اعضا سبب قدرتمندی روسیه و قطر خواهد شد، اما گسترش رای‌ها اعضا سبب محدودیت قدرت آنها در سیستم‌های تصمیم‌گیری مشترک خواهد گردید.

## ۷- نتیجه‌گیری

مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز می‌تواند ضامن همکاری بین کشورهای تولیدکننده گاز بوده و از رقابت‌های ناسالم جلوگیری کند. همچنین همکاری کشورهای تولیدکننده گاز، پایه‌گذار رقابتی سازنده بین آنها بوده و استفاده معقول از ذخایری را که این کشورها در اختیار دارند، به دنبال خواهد داشت و حتی می‌تواند موقعیت استراتژیک کشورهای عضو را در سطح جهانی افزایش بدهد. افزایش قدرت تأثیر گذاری بر قیمت گاز و در دست گرفتن بازار رو به گسترش آینده، از جمله مهم‌ترین اهدافی است که کشورهای عرضه‌کننده‌ی گاز به دنبال آن هستند. با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز سه کشور ایران، روسیه و قطر که در مجموع ۴۸/۷ درصد ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند، نقش اصلی را در معادلات آینده بازار جهانی انرژی بر عهده خواهند داشت. با توجه به همکاری دو کشور روسیه و قطر در عرصه صادرات گاز طبیعی و رقابت آنها با ایران، سیاست‌گذاران انرژی کشور می‌بایست سیاست‌های این دو کشور را در

حوزه‌ی صادرات گاز به دقت دنبال کرده و زمینه‌های تعامل و همکاری با این دو صادرکننده‌ی بزرگ مجمع و بازار جهانی را فراهم سازند. از بین کشورهای عضو مجمع تنها قطر و روسیه می‌توانند در شرایط موجود نقش ناظم بازار را ایفاء کنند. روسیه می‌تواند به دلیل دسترسی به بازار بزرگ اروپا سیاست‌های کنترلی را در بخش خط لوله اتخاذ کند (Khorrami, 1394) و قطر نیز با توجه به زیرساخت‌های صادرات ال‌ان‌جی این کشور می‌تواند بازار را با هدف تأمین منافع کشورهای عضو مجمع در بخش ال‌ان‌جی کنترل کند. در این میان ایران با توجه به ذخایر عظیم گاز طبیعی، دسترسی به بازارهای بزرگ مصرفی در شرق و غرب (به ویژه اروپا، هند و پاکستان) و همچنین دسترسی به آبهای آزاد می‌تواند نقش کنترلی را در بازار جهانی گاز در هر دو حوزه‌ی خط لوله و ال‌ان‌جی ایفاء کند و در این راستا به منظور ایجاد نظم در بازار با قطر و روسیه همکاری کند.

مسئله دیگری که می‌بایست مورد توجه سیاست‌گذاران حوزه‌ی انرژی کشور قرار گیرد، عدم حضور کشورهای ترانزیت‌کننده گاز در ساختار مجمع است. به‌طور قطع ایران برای صادرات گاز از طریق خط لوله به اروپا نیاز به همکاری جدی با کشورهای ترانزیت‌کننده از قبیل ترکیه دارد. بر این اساس مجمع می‌تواند کمک شایانی باشد برای همکاری ایران با کشورهای ترانزیت‌کننده گاز برای ورود به بازار بزرگ اروپا.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ایران با وجود نقش کم رنگ در عرصه صادرات گاز تا چه میزان می‌تواند به‌عنوان یکی از مهره‌های کلیدی مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز مطرح شود؟ پاسخ این است که ایران اگرچه صادرکننده‌ی عمده گاز نیست، اما به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور دارنده گاز، می‌تواند نقش کلیدی را در مجمع داشته باشد. ایران از نظر ذخایر گاز اولین و از نظر تولید گاز نیز سومین تولیدکننده بعد از آمریکا و روسیه است (BP, 2016) در نتیجه بدون شک ایران از پتانسیل بالایی در تولید گاز برخوردار خواهد است. همچنین ایران از نظر جغرافیایی گزینه‌های زیادی برای صادرات گاز خود دارد. ایران نزدیکترین منبع برای کشورهای جنوب غرب آسیا به ویژه هند و چین به شمار رفته و گاز خود را نیز می‌تواند از طریق ترکیه به اروپا صادر نماید. همچنین به راحتی از طریق سرمایه‌گذاری در بخش ال‌ان‌جی می‌تواند به بازارهای مناسب و پررونق شرق آسیا مانند ژاپن راه پیدا کند. علاوه بر این موارد،

به دلیل دسترسی به اقیانوس‌ها از طریق دریای عمان و نیز نزدیکی به بازارهای مصرف در شرق و غرب کشور، برخلاف بسیاری از تولیدکنندگان دیگر گاز که مجبورند تنها به یک شیوه صادراتی اتکا کنند، می‌تواند با هر دو شیوه صادرات (خط لوله و ال.ان.جی) به بازارهای بین‌المللی راه‌یابد که این موضوع قدرت مانور کشور را در بازاریابی به شدت افزایش می‌دهد و صادرات ال.ان.جی، توان حضور در بازارهای تک‌محموله‌ای (که از جمله عوامل اثر گذار بر قدرت سازمان کشورهای صادرکننده گاز است) را برای کشور فراهم آورد. از سوی دیگر، حضور مؤثر سازمان کشورهای صادرکننده گاز می‌تواند امکان همکاری با سایر صادرکنندگان گاز در زمینه تکنولوژیکی را در قالب توافق‌های درون‌سازمانی فراهم آورد و نیاز به فناوری کشورهای غربی برای توسعه‌ی میداین‌گازی، ایجاد واحدهای تولید ال.ان.جی و صادرات گاز را کاهش دهد.

عضویت در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز علاوه بر فرصت‌ها و مزایایی که برای کشور ما به دنبال دارد، تهدیدهایی را نیز متوجه کشور ما خواهد نمود. روسیه به دلیل مزایا و نقاط قوت بسیاری که از منظر ذخایر، توان صادرات، مسیرهای صادراتی، تسلط بر بازار اروپا و تکنولوژی تولید و صادرات گاز در اختیار دارد، به احتمال بسیار زیاد به‌عنوان رهبر یا حداقل به‌عنوان هماهنگ‌کننده در این سازمان مطرح خواهد بود و طبیعی است که از نفوذ خود در این سازمان برای افزایش قدرت چانه‌زنی در برابر آمریکا و اروپا استفاده خواهد نمود.

همچنین ایران برای عضویت و ایفای نقش مؤثر در سازمان کشورهای صادرکننده گاز، نقاط ضعفی دارد که عبارتند از: عدم توسعه‌یافتگی میداین‌گازی؛ نیاز تکنولوژیک شدید برای توسعه‌ی میداین و ایجاد واحدهای مایع‌سازی گاز طبیعی؛ عدم توسعه‌یافتگی زیرساخت‌های صادراتی که از نقاط ضعف کشور محسوب می‌شود؛ نیاز رو به رشد انرژی و به علاوه نیاز روزافزون گاز در کشور و همچنین سیاست دولت در مورد جایگزینی گاز به جای فرآورده‌های نفتی و گسترش شبکه مصرف داخلی گاز.

در واقع عضویت در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز برای ایران هم ماهیت سیاسی دارد و هم ماهیت اقتصادی. اقتصادی از این منظر که درآمد حاصل از فروش گاز سبب افزایش درآمدهای ارزی ایران می‌شود و سیاسی از این منظر که این افزایش درآمد سبب افزایش توانایی ایران در پی‌گیری اهداف سیاست خارجی خود خواهد شد.



و نیز گاز می‌تواند به‌عنوان کالای مورد نیاز مخالفان خارجی، به‌عنوان ابزاری سیاسی مورد استفاده ایران قرار گیرد، بدین معنی که ایران از این برتری در زمینه داشتن منابع گازی و اهمیت آن به‌عنوان ابزاری سیاسی برای پی‌گیری اهداف سیاست خارجی استفاده نماید.

### منابع

- ابراهیمی، ایلناز. "سازمان کشورهای صادرکننده گاز شکل‌گیری فرصت‌ها و تهدیدها". چاپ اول. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. تهران. ۱۳۸۸.
- ابومحمد عسکرخانی، رژیم‌های بین‌المللی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ۳۹-۳۰.
- ایجاد اوپک گازی؛ آیا انحصار امکان‌پذیر است؟، علی یوسفی، مجله بررسی‌های اقتصاد انرژی، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، شماره ۸، بهار ۱۳۸۶.
- بخشی، جواد، بررسی موفقیت همگرایی در مجمع کشورهای صادرکننده گاز، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۰.
- پورااحمدی، حسین، امکان‌سنجی و تأثیر تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده گاز بر همگرایی و ارتقاء امنیت، قدرت و سایر منافع کشورهای صادرکننده گاز، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، ۱۳۹۰.
- ترازنامه‌ی هیدروکربوری کشور، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، وزارت نفت، سال ۱۳۹۳.
- تکلیف، عاطفه، ساختار مجمع کشورهای صادرکننده گاز: عدم تجانس اعضا و معیارهای رتبه‌بندی آنها در اثرگذاری بر بازار گاز، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، دوره ۲، پائیز ۸، ۱۳۹۲، صفحه ۴۵-۶۷.

دوید جی، ویکتور، ایمی ام، جف و مارک اچ، هیز. ترجمه: مریم پاشنگ و جلال میناوند چال. "گاز طبیعی و جغرافیای سیاسی از ۱۳۷۰ تا ۲۰۴۰". چاپ اول. مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی. تهران. ۱۳۸۷.

رحیمی، غلامعلی، بررسی و تدوین استراتژی‌های حضور مؤثر ایران در مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز، مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی، تهران، ۱۳۹۰.

رحیمی، غلامعلی، سازمان کشورهای صادرکننده‌ی گاز؛ ضرورت‌ها و محدودیت‌ها، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی اقتصادی؛ (علمی - ترویجی)، شماره‌ی ۲۵۶-۲۵۵؛ آذر و دی ۱۳۸۷.

رحیمی، غلامعلی؛ صنعت گاز ایران، وضع کنونی و چشم اندازها؛ ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی اقتصادی؛ (علمی - ترویجی)، شماره‌ی ۲۴۲-۲۴۱؛ مهر و آبان ۱۳۸۶.

شهبابی، سهراب و بخشی، جواد، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۸۱، بهار ۱۳۹۲.

Ariel Cohen (2008) OPEC Redux: Responding to the Russian-Iranian Gas Cartel. Available At: < <http://www.heritage.org/research/reports/2008/10/ope-redux-responding-to-the-russian-iranian-gas-cartel> >

BP Statistical Review of World Energy (2015).

Chris Gelpi (1999); "Alliances as Instruments of Intra-Allied Control or Restraint," in Helga Haftendorn, Robert Keohane, and Celeste Wallander, (eds) Imperfect Unions: Security Institutions over Time and Space (New York: oxford University Press).

DIW BERLIN, <https://www.diw.de/en>

Dominique Finon, Catherin Locatelli (2008); "Russian and European gas interdependence: Could contractual trade channel geopolitics?". Energy Policy, Volume 36, pp. 423-442.

Galbert de Simond (2016) Transatlantic Economics Statecraft: The Challenge to Building a Balanced Transatlantic Sanctions Policy between the United States and the European Union. Center for New American Security. Report 160616, June 21, 2016.

Hallouche Hadi (2006) The Gas Exporting Countries Forum: Is it really a Gas OPEC in the Making? Oxford Institute for Energy Studies. Report NG13. P.14 and P.26.

<https://www.gecf.org/countries/country-list.aspx>

Jeremy Pressman, Warring Friends (2008); Alliance Restraint in International Politics (Ithaca, N.Y.: Cornell University Press).

Johns Hopkins University Press. P.11, 42,53. Obindah N. Wagbara (2007); "How would the gas exporting countries forum influence gas trade?". Energy policy, Volume 35, pp.1224-1237.

Jonathan Stern (2007); "GAS-OPEC: A Distraction from Important Issues of Russian Gas Supply to Europe". Oxford Energy Comment.

Mattli, Walter (1999); The Regional Integration, Europe and Beyond, New York, Cambridge University press, ), 41.

Paul Stevens (2012); The 'Shale Gas Revolution': Developments and Changes, Energy, Environment and Resources.

Qatar Oil & Gas Report Q2 2014, Business Monitor International (BMI).

Russia Oil & Gas Report Q2 2014, Business Monitor International (BMI).

Vladimirov Martin (2013) Why is a natural gas OPEC not possible? International and Domestic Considerations.

Walt M. Stephen (2011) Alliances in a unipolar world. In John Ikenberry and others (Ed) International Relations Theory and the Consequences of Unipolarity. Chapter 4. PP. pp. 99-139. London: Cambridge University Press.

Washington, D.C.: the White house (2002); The National Security Strategy of the United States of America.

William C. Wohlforth (1994-95); "Realism and the End of the Cold War," International Security 19.

William C. Wohlforth (1999); "the Stability of a Unipolar World," International Security 24.

Wohlforth (2008); "Revisiting Balance of Power theory in Central Eurasia," in Paul, Wirtz, and Fortmann, (fn. 5).

World Energy Outlook (2015); IEA.

[www.datamonitor.com](http://www.datamonitor.com) (2006); "GECF: No Treat f of Gas OPEC".

## Strategies for Effective Participation of Iran in Gas Exporting Countries Forum

Ali Akbar Naji Meidani

Associated Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Business Administration, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, naji@um.ac.ir

Gholamali Rahimi

Ph.D. Student of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, International Campus, Mashhad, Iran, gh.rahimi@stu.um.ac.ir

Received: 2016/07/20 Accepted: 2017/01/07

### Abstract

Because of recent events and trends in the global energy economy, natural gas is one of strategic goods and gas resource holders can use their gas to influence the global equations in favor. Formation of Gas Exporting Countries Forum (GECF) that Iran had a major role in its establishment, is one of the most important international developments in the international arena in recent years. Despite of strength and advantage of GECF, however this forum is having some restrictions and problems for having efficient participation and also ruling the gas market.

At this point the main question is that which policies and strategies must be taken by Iran to have effective role in this forum? This paper uses the analytical method based on Mattli's multivariate analysis model about the factors affecting organizational Economic Convergence, aiming to answer this question. Therefore, in this regard, the Islamic Republic of Iran while considering the constraints and possibilities must recognize the internal challenges of the forum and design required strategies for active participation in the forum.

The results of this study indicate that the Iran's membership in Gas Exporting Countries Forum has both political and economic dimensions for this country. From Economic perspective, the revenue from gas sales increase Iran's foreign exchange revenues and from Political point of view, increased revenue from gas trade, will increase Iran's ability to pursue its foreign policy goals, which is increased global interdependence of Iran's energy supply and avoiding the re-impose of the sanctions against the country.

In this regard, based on the information on the competitors strengths & weakness, the effective appropriate strategies are defined for Iran to reach the objective of being one of the most effective and influential members of GECF and player in the global gas market.

**JEL Classification:** A10 ,D23 ,D42 ,E61

**Keywords:** GECF, Iran, Policies and strategies, Gas Market, Russia, Qatar.